



تدائک اتحاد

ماهنامه اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا
سال اول | شماره سوم | آذر ۱۴۰۳ | December 2024



واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا





نداک اتحاد

ماهنامه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا
سال اول | شماره سوم آذر ۱۴۰۳ | December 2024

صاحب امتیاز: اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا

مدیر مسئول: مجتبی زارع صفت

سردبیر: محمد مهدی آزاد

دبیر اجرایی: پوریا نکونام، سعید کرمی

هیئت تحریریه: احمد نادری، غلامرضا زارعی، محسن رحمانی تبار، مجتبی

زارع صفت، میلاد اصغری، امید حمادی، کوثر احمدی، پوریا نکونام،

محمد مهدی آزاد، محمد انصاری رامندی، علی نجاتی مهر، مظفر قره شیخ

بیات، سپهر رستگار مقدم

پست الکترونیک: dabirkhane@uisae.org

پایگاه اینترنتی: www.uisae.org



فهرست

۶ سرمقاله | شانزدهم آذر: نماد پایداری و آگاهی دانشجویی

روایت خانه

۸ امید، پیشران تحول برای حرکت به سوی آینده

۱۰ شهید بهشتی و استقلال فرهنگی اسلامی

۱۳ فرصت سوزی بزرگ!

۱۴ دانشگاه و جنبش‌های دانشجویی: از آرمان‌ها تا چالش‌های امروز

۱۸ خطرات اخذ پذیرش بدون مشاوره

۲۰ فیلترینگ اینترنت در ایران: چالشی بر سر راه توسعه و ارتباطات

۲۲ سپیده دم اندیشه

۲۳ نشانه مجسم رستاخیز ملی و دینی

۲۴ سیاست جنایی در اسلام (۱)

پیشرفت و تجربه

۲۸ هیدروژن سبز، راه حل نجات

۳۴ خودروسازی پاشنه آشیل؟! (۲)

۳۸ هوش مصنوعی؛ پلی به سوی آینده‌ای پایدار برای محیط زیست ایران

فرهنگ نگار

۴۱ فاطمه فاطمه است

۴۴ آخرش که چه؟

تازه‌ها

۴۸ گزارش حادثه دانشگاه فدرال کازان روسیه

۵۰ گزارش یک قضاوت، علل و عوامل



مقاله

دکتر مجتبی زارع صفت

دبیرکل اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا

شانزدهم آذر؛ نماد پایداری و آگاهی دانشجویی

إِشْرَاحَ لِلَّهِ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَكِيمٌ ﴿١١﴾
 به راستی که خداوند حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. (سوره رعد، آیه ۱۱)

با گذشت روز دانشجو در شانزدهم آذرماه، فرصتی دوباره یافتیم تا به تأمل در تاریخچه پرافتخار جنبش دانشجویی ایران بپردازیم و نقش بی‌بدیل دانشجویان در تحولات اجتماعی و سیاسی کشور را مرور کنیم. در آن صبح سرد سال ۱۳۳۲، دانشگاه تهران شاهد واقعه‌ای بود که تاریخ جنبش دانشجویی را برای همیشه متحول کرد. در فضایی خفقان‌آور پس از کودتای ۲۸ مرداد، هنگامی که هر صدای آزادی‌خواهی با سرکوب مواجه می‌شد، دانشجویان به اعتراض به دخالت‌های خارجی و دفاع از استقلال کشور برخاستند. در این روز، سه فرزند عزیز دانشگاه، مصطفی بزرگ‌نیا، احمد قندچی و مهدی شریعت‌رضوی، در راه بیداری و آگاهی مردم جان باختند و خون پاکشان نهالی را کاشت که به درختی تنومند و پرثمر تبدیل شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دانشجویانی که سال‌ها با ستم و نابرابری مبارزه کرده بودند، در سپیده پیروزی عرصه را برای خدمت به وطن مهیا دیدند. آنان در همه عرصه‌ها خوش درخشیدند؛ از مقابله با جریان‌های منحرف گرفته تا حضور در جبهه‌های دفاع مقدس. در سال‌های پس از جنگ نیز، دانشجویان با تلاش و همت خود، پایه‌گذار حرکت پرشتاب علمی کشور شدند و ایران را در قله‌های علم و دانش سر بلند کردند.

اما همان قدر که این نهضت دانشجویی موجب خرسندی مردم و تحکیم کشور می‌شد، برای برخی دشمنان این مرز و بوم غیر قابل تحمل بود. آنان نمی‌توانستند بپذیرند که نسل‌های جدید دانشجویان، پرشورتر از پیش، پای آرمان‌های انقلاب ایستاده‌اند. از این رو، به انحراف و بدل‌سازی از جنبش دانشجویی پرداختند و تلاش کردند تا دانشجو را از مسیر اصلی خود منحرف کنند. در سال‌های گذشته، شاهد بودیم که برخی تلاش کردند روح اصلی جنبش دانشجویی، یعنی مبارزه برای آزادی، عدالت و استقلال را از آن بزدايند و به جای آن، اختلافات حزبی و جناحی را جایگزین کنند. اما دانشجویان آگاه و بیدار، فریب این ترفندها را نخوردند و با هوشیاری مسیر خود را ادامه دادند.

امروز، پس از گذشت روز دانشجو، زمان آن است که با نگاهی نوبه چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی دانشجویان بنگریم. یکی از مهم‌ترین مسائلی که جامعه دانشجویی با آن روبه‌روست، خلأ فرهنگی است که به واسطه فاصله از میهن و ارزش‌های فرهنگی و دینی ایجاد می‌شود، به‌ویژه برای دانشجویانی که در خارج از کشور تحصیل می‌کنند. دوری از خانواده و جامعه‌ای که در آن

پرورش یافته‌اند، می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات هویتی و فرهنگی باشد. تقویت ارتباطات فرهنگی و معنوی با داخل کشور، برگزاری برنامه‌های فرهنگی و مذهبی، و ایجاد فضای همدلی می‌تواند در پر کردن این خلأ مؤثر باشد. همچنین، مشکلات مالی و اقتصادی که دانشجویان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، نیازمند توجه و حمایت بیشتر از سوی نهادهای داخلی است. تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی، شرایط را برای ادامه تحصیل و پژوهش دانشجویان دشوار کرده است. حمایت‌های مالی، تسهیل در انتقال ارز و ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب پس از فارغ‌التحصیلی، می‌تواند بخشی از این مشکلات را کاهش دهد.

چالش‌های دیگری همچون موانع پژوهشی، دسترسی محدود به منابع علمی و فناوری‌های نوین، و مشکلات مربوط به اشتغال پس از تحصیل، نیازمند برنامه‌ریزی و همکاری مشترک است. دانشگاه‌ها و نهادهای علمی باید بستری را فراهم کنند که دانشجویان بتوانند از دانش و تخصص خود در جهت پیشرفت کشور بهره‌برداري کنند. در این مسیر، اتحاد و همدلی میان دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی می‌تواند نقش بسزایی در فائق آمدن بر این مشکلات داشته باشد. با همدلی و همکاری، می‌توانیم صدای خود را به گوش مسئولین برسانیم و در جهت رفع موانع گام برداریم. اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان می‌تواند به عنوان پایگاهی برای پیگیری این مسائل و ایجاد پل ارتباطی میان دانشجویان و نهادهای مربوطه عمل کند.

دانشجویان امروز، با آگاهی از گذشته پرفراز و نشیب جنبش دانشجویی، می‌دانند که تنها با تکیه بر توانایی‌های خود و بی‌اعتمادی به دشمنان این مرز و بوم، می‌توانند آینده‌ای روشن برای کشور رقم بزنند. راه پیشرفت و عبور از مشکلات، اتکا به خود، تلاش علمی و خدمت به مردم است. باید با بهره‌گیری از آموزه‌های آن و با تاسی به آرمان‌های والای شهدای دانشجو، با تلاش و مجاهدت در مسیر علم و دانش گام برداریم و با وحدت و همدلی، از استقلال و عزت کشورمان دفاع کنیم. دانشگاه باید محیطی سرشار از آزادی بیان و اندیشه باشد، جایی که دانشجویان بتوانند آزادانه نظرات خود را بیان کنند و در پیشرفت جامعه نقش‌آفرین باشند.

در پایان، از مسئولین و نهادهای مربوطه انتظار داریم تا با همکاری و حمایت بیشتر، زمینه را برای رفع مشکلات دانشجویان و بهره‌گیری حداکثری از توانمندی‌های آنان فراهم کنند. امید است که با تلاش مشترک همه، شاهد ایرانی آباد، آزاد و مستقل باشیم. و من الله توفیق

روایت‌خانه

در این فصل می‌خوانید:

- ۸ امید، پیشران تحول برای حرکت به سوی آینده.....
- ۱۰ شهید بهشتی و استقلال فرهنگی اسلامی.....
- ۱۳ فرصت‌سوزی بزرگ!.....
- ۱۴ دانشگاه و جنبش‌های دانشجویی: از آرمان‌ها تا چالش‌های امروز.....
- ۱۸ خطرات اخذ پذیرش بدون مشاوره.....
- ۲۰ فیلترینگ اینترنت در ایران: چالشی بر سر راه توسعه ارتباطات.....
- ۲۲ سپیده‌دم اندیشه.....
- ۲۳ نشانه مجسم رستاخیز ملی و دینی.....
- ۲۴ سیاست‌جنایی در اسلام (۱).....



اتحاد
 اتحاد



امید، پیشران تحول برای حرکت به سوی آینده

غلامرضا زارعی
پژوهشگر و نویسنده

مفهوم امید، چیستی و چگونگی تشکیل آن در وجود انسان و همچنین نسبت آن با تولید انگیزه و حرکت به سمت اهداف فردی، اجتماعی و نیل به تحول خواهی از مباحث مهمی است که توجه اندیشمندان، فیلسوفان، جامعه‌شناسان و... را به خود معطوف کرده است. با مطالعه فراز و فرود جوامع روشن می‌شود از نشانه‌های پویایی و نشاط ملت‌ها، امید بوده که تقریباً هیچ ملتی برای فراز و پیشرفت خود از آن بی‌نیاز نبوده، و هر ملتی که از فرازش به فرود گسیل شد، به همان میزان از امیدواری به ناهمبندی دچار شد. بنابراین تحول و پیشرفت جوامع لاجرم نیازمند بر خورداری از امید است. در واقع احساس امید و نسبت آن با آینده، ترسیم تصویری است که دورنمایی روشن و شفاف از زندگی و آینده را منقوش می‌کند. از سوی دیگر امید و امیدواری در زندگی برای نیل به ارزش‌های والای انسانی، عامل حرکت انسان به سوی کمال بوده که با اندک تأملی می‌توان دریافت نه تنها نیل به سمت مقاصد و اهداف بشری بلکه اساساً هر حرکت تحولی بدون بهره‌مندی از امید غیر ممکن یا دست‌کم بعید بنظر می‌رسد. در واقع امید به آینده‌ای مطلوب و آرمانی منبع اصلی پویایی، شادی و تلاش برای رسیدن به اهداف است؛ به هر میزان که امید و تلاش برای دستیابی به اهداف بیشتر باشد، به همان میزان هم می‌توان به آینده‌نگاهی عمیق‌تر و مثبت‌تر داشت. بنابراین، امیدواری و امید به آینده عاملی برای شوق آفرینی و سرزندگی و استواری نظام اجتماعی و موتور محرکه چرخ‌های زندگی انسان و جوامع در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. اهمیت مبحث امید متعلق به رشته‌های علوم انسانی مدرن نبوده، و علاوه بر همین امید و مطالعه آن در علوم مختلف، این مفهوم اساسی در ادیان مختلف نیز ممتاز بوده، و همه و مکاتب مختلف الهی این مفهوم ارزشمند را دارای جایگاه رفیع و ضامن تحقق آرمان توحیدی دانسته‌اند. رهبر معظم انقلاب اسلامی، خوشبینی واقع‌بینانه را بن‌مایه امید دانسته‌اند و امید را لازمه حرکت به سمت آینده خوانده‌اند. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جست‌ام، اما خود و همه را از نومیدی بیجا و ترس کاذب نیز بر حذر داشته‌ام و بر حذر می‌دارم.

بر اساس این گزاره، چنین نیست که امید یک وضعیت خوشبینی انتزاعی و یا یک حالت سرخوشی غیر منطقی باشد. بلکه امید در بردارنده احساسی است که مبتنی بر شناخت واقعیت و تغییر خوشبینانه و توانمندی در تبدیل نقاط ضعف به قوت باشد. تمامی این موارد را می‌توان اضلاعی از تحول دانست که پیشران آن چیزی نیست، جز امید. بنابراین، امید تمایلی است که با انتظار وقوع مثبت همراه است و یا به عبارت دیگر ارزیابی مثبت از آن چیزی است که فرد متمایل است و می‌خواهد که به وقوع بپیوندد. امید با نیروی نافذ خود سامانه فعلیتی را تحریک می‌کند تا بتواند تجربه‌های نو کسب نموده و نیروهای تازه‌ای را برای تحول در موجود ایجاد کند. هر چند به گمان برخی امید تجربه‌ای آگاهانه نیست، ولی هرگاه شخص در دشواری‌ها و بحران‌های زندگی قرار گیرد احساس امیدواری در فرد زنده می‌شود و این امید است که پس از بحران‌ها و سختی‌ها آرامش را به فرد بازمی‌گرداند. بنابراین می‌توان گفت امید از سه جزء شناختی، حرکتی و عاطفی تشکیل شده است.

امید و سلامت روانی

امید به طور مستقیم با سلامت روانی افراد مرتبط است. تحقیقات نشان داده‌اند که افرادی که دارای سطح بالایی از امید هستند، معمولاً از سلامت روانی بهتری برخوردارند و کمتر دچار افسردگی و اضطراب می‌شوند (Snyder et al, ۲۰۰۲). امید می‌تواند به عنوان یک سپر محافظ در برابر استرس و فشارهای روانی عمل کند و به افراد کمک کند تا با چالش‌های زندگی به شیوه‌ای مثبت‌تر برخورد کنند.

امید و پیشرفت فردی

امید به عنوان یک نیروی محرک، افراد را ترغیب می‌کند تا به دنبال رشد و پیشرفت شخصی باشند. این احساس می‌تواند به افزایش انگیزه و تلاش برای دستیابی به اهداف منجر شود. افراد امیدوار معمولاً تمایل بیشتری به یادگیری و توسعه مهارت‌های جدید دارند (Lopez et al, ۲۰۰۹).

امید و پیشرفت اجتماعی

جوامعی که در آن‌ها امید به آینده وجود دارد، معمولاً با مشکلات اجتماعی و اقتصادی کمتری مواجه هستند و افراد در آن‌ها به مشارکت فعالانه در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی تمایل دارند. این مشارکت می‌تواند به تحقق اهداف مشترک و بهبود شرایط زندگی برای همه اعضای جامعه کمک کند (Duflo & Banerjee, ۲۰۱۱).

امید و نوآوری

امید به نوآوری و خلاقیت دامن می‌زند. افراد و جوامعی که به آینده امیدوار هستند، معمولاً تمایل بیشتری به پذیرش تغییرات و جستجوی راه‌حل‌های جدید برای مسائل دارند. این امر می‌تواند به پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی و در نهایت به بهبود کیفیت زندگی منجر شود (Amabile, ۱۹۹۶).

امید و عدالت اجتماعی

امید به تحقق عدالت اجتماعی و برابری، می‌تواند افراد و جوامع را

ترغیب کند تا برای حقوق بشر و عدالت اجتماعی مبارزه کنند و به ایجاد جهانی عادلانه‌تر و صلح‌آمیزتر کمک کنند (Sen, ۱۹۹۹).

امید و انقلاب اسلامی

امید برای هر ملتی نویدبخش و حیاتی است، اما این مهم برای انقلاب اسلامی از اهمیت بیشتری برخوردار است. چرا که انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از معرفتی مبتنی بر اسلام ناب به دنبال تحقق سعادت بشر بوده و لازمه آن را جاری سازی شعارهای فطری به عنوان ارزش‌های دینی توسط آزادگان خوانده است. امید در پارادایم انقلاب اسلامی به عنوان یک عنصر کلیدی است. از ابتدای انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رحمت الله علیه آرمان‌های انقلاب را همان ارزش‌های فطری دانستند، این اصل مبنایی دلیل موجهی برای صدور انقلاب اسلامی به مثابه یک نرم افزار بینشی-کنشی در سطح جهان شد. انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از آرمان‌های فطری، برای حرکت در نظام بین‌الملل نقش مهمی ایفا می‌کند. در این چارچوب اهمیت امید در پارادایم انقلاب اسلامی ممتاز شده و مفهوم امید نه تنها در سطح داخلی، بلکه در سطح بین‌المللی نیز به عنوان یک نیروی محرک برای تغییر و تحول شناخته می‌شود. برخی از جنبه‌های اهمیت امید در اندیشه انقلاب اسلامی در عرصه بین‌الملل عبارت است از:

۱) تقویت هویت و استقلال: امید به آینده‌ای بهتر و مستقل، به کشورها و ملت‌ها کمک می‌کند تا هویت خود را تقویت کرده و در برابر فشارهای خارجی مقاومت کنند.

۲) ترویج عدالت و صلح: امید به تحقق عدالت و صلح جهانی، کشورها را ترغیب می‌کند تا در جهت ایجاد نظامی عادلانه‌تر و صلح‌آمیزتر در سطح بین‌المللی تلاش کنند.

۳) افزایش تعاملات بین‌المللی: امید به بهبود روابط بین‌المللی و همکاری‌های مشترک، کشورها را به سمت تعاملات سازنده‌تر و مشارکت‌های بین‌المللی سوق می‌دهد. این تعاملات می‌تواند به توسعه اقتصادی و فرهنگی کمک کند.

۴) الهام‌بخشی به دیگر ملت‌ها: انقلاب اسلامی با تکیه بر امید و آرمان‌های خود، می‌تواند به عنوان الگویی برای دیگر ملت‌ها عمل کند و آن‌ها را به تلاش برای تغییر ترغیب نماید.

۵) پایداری در برابر چالش‌ها: امید به آینده‌ای بهتر، کشورها را در مواجهه با چالش‌های بین‌المللی مقاوم‌تر می‌سازد و آن‌ها را به یافتن راه‌حل‌های خلاقانه و پایدار ترغیب می‌کند.

نتیجه‌گیری

در نهایت، امید، تحول نه تنها مفاهیمی جداگانه نیستند، بلکه اجزای مرتبط و مکمل یکدیگر هستند. امید به عنوان نیروی محرکه برای حرکت به سمت اهداف، می‌تواند تحول را در سطوح فردی و اجتماعی ایجاد کند. این تحول در صورتی که به درستی هدایت شود، می‌تواند به تحقق سعادت اجتماعی و فردی منجر شود. امتزاج آرمان‌های فطری و با مفهوم امید، موجب ایجاد همبستگی، ظلم ستیزی و تحول در سطح بین‌الملل خواهد شد و می‌تواند به جوامع کمک کند تا به سمت آینده‌ای روشن‌تر حرکت کنند.

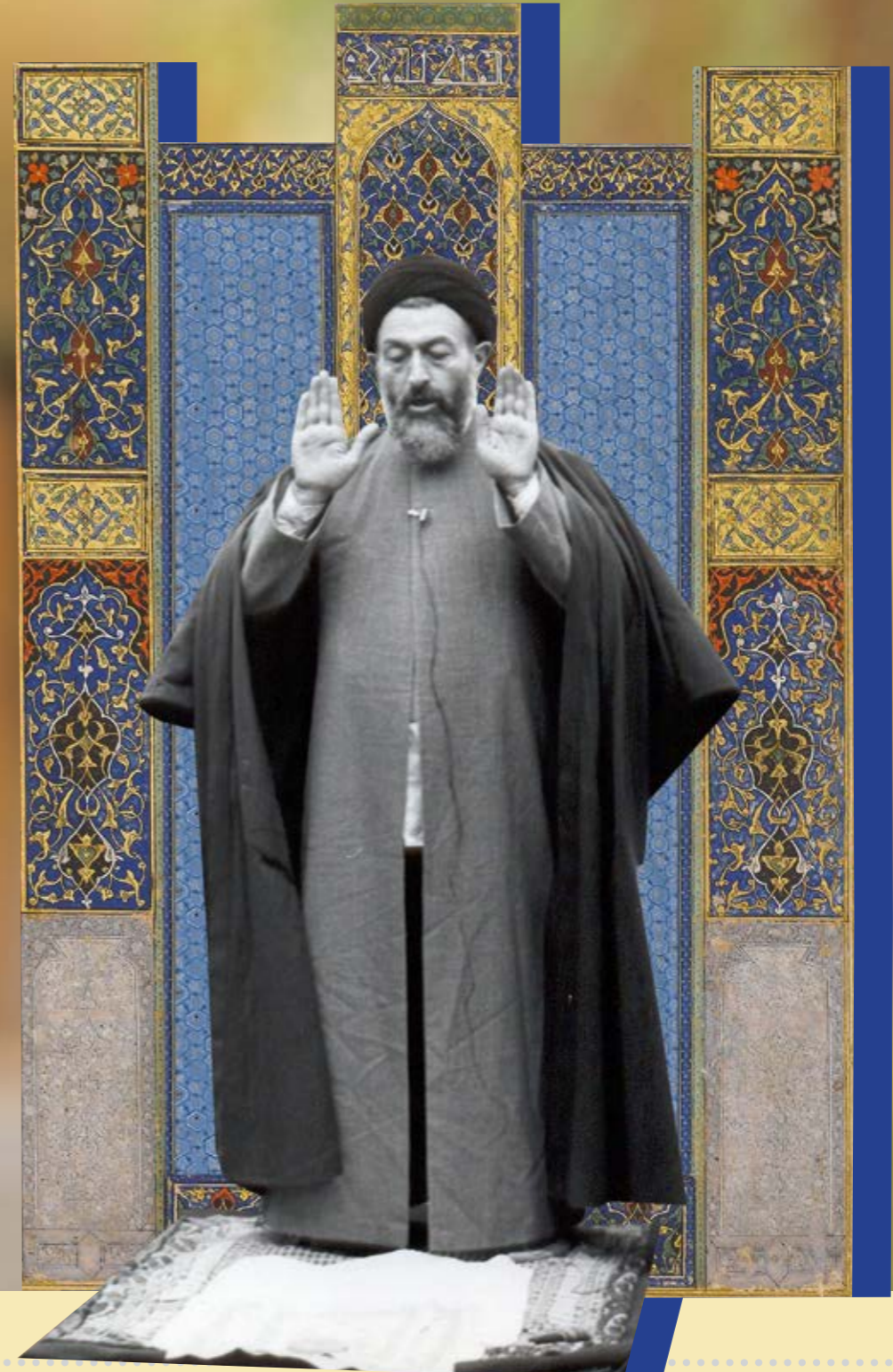
منبع اصلی: برگرفته از متن بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

دکتر مجتبی زارع صفت

دبیر اتحادیه انجمن‌های
اسلامی دانشجویان در اروپا

شهید بهشتی و استقلال فرهنگی اسلامی

در ادامه مقاله شماره قبلی این نشریه که به بررسی اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی درباره عدالت اجتماعی و اقتصادی پرداختیم، در این شماره به تحلیل دیدگاه‌های ایشان درباره استقلال فرهنگی و تمدن اسلامی می‌پردازیم.



اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر محمدحسین بهشتی درباره استقلال فرهنگی و تمدن اسلامی همچنان می‌تواند راهنمایی برای جامعه امروز ما باشد. او با تأکید بر ارزش‌های اصیل اسلامی و نیاز جوامع به استقلال فکری، راهکارهایی عملی برای تحقق این ارزش‌ها ارائه داد. تأکید او بر احیای هویت اسلامی، تکیه بر توان داخلی، مبارزه با استعمار فکری و اهمیت وحدت اسلامی، مسیری روشن برای دستیابی به استقلال فرهنگی و تمدن اسلامی ترسیم می‌کند. شهید بهشتی با درک عمیق از شرایط اجتماعی و فرهنگی زمان خود، معتقد بود که بدون تحقق استقلال فرهنگی، نمی‌توان ادعای برپایی یک جامعه اسلامی واقعی را داشت. او بر این باور بود که استقلال فکری و فرهنگی نه تنها یک اصل دینی، بلکه نیاز فطری انسان‌هاست. او می‌گفت: «استقلال فکری؛ اگر کمی هم کند پیش برویم اما روی پای خودمان، بهتر است تا تند پیش برویم ولی روی پای دیگران.» از دیدگاه او، استقلال فرهنگی زیربنای حیات مدنی و سیاسی جوامع است و بدون آن، پیشرفت واقعی امکان‌پذیر نیست.

لزوم استقلال فرهنگی و مقابله با استعمار فکری

شهید بهشتی معتقد بود که استعمارگران با شعارهایی همچون پیشرفت و توسعه، سعی در نفوذ در فرهنگ و اندیشه جوامع اسلامی دارند. او با نقد این اندیشه‌ها تأکید می‌کرد که پیشرفت واقعی زمانی حاصل می‌شود که ملت‌ها بر پایه فرهنگ و ارزش‌های خود حرکت کنند. بهشتی بیان می‌کرد: «انقلاب اسلامی ایران تصمیمی تاریخی برای پایان دادن به هر نوع وابستگی به خارج بود.» او باور داشت که استقلال کامل هدفی دست‌یافتنی است که با تکیه بر خوداتکایی و نفی دخالت بیگانگان می‌توان به آن رسید.

تزریق اندیشه وابستگی و تخریب هویت اسلامی

یکی از نگرانی‌های اصلی شهید بهشتی، نحوه نفوذ استعمارگران در فرهنگ و اندیشه جوامع اسلامی بود. او معتقد بود که استعمارگران با تحریف مفاهیم دینی و فرهنگی، سعی در ایجاد وابستگی فکری دارند. بهشتی می‌گفت: «ملتی‌راسال‌ها با افسون‌ها به خواب برده بودند و به آن‌ها القا کرده بودند که شما عقب‌مانده هستید و راه نجات‌تان تنها در تقلید از غرب و فرهنگ آن‌هاست.» او بر این باور بود که تغییر مظاهر فرهنگی نظیر شیوه لباس پوشیدن، زبان و خط، به منظور از بین بردن هویت اصیل اسلامی انجام می‌شود. به گفته او، تحت تأثیر این تبلیغات، افراد جامعه به‌صورت ناخودآگاه وابسته به فرهنگ بیگانه می‌شدند و سبک زندگی، تفکر و رفتارشان بر اساس الگوهای خارجی شکل می‌گرفت. این وابستگی نه تنها مانع از استقلال فرهنگی می‌شد، بلکه پایه‌های سیاسی و اقتصادی جامعه را نیز به خطر می‌انداخت.

پیامدهای وابستگی فرهنگی

شهید بهشتی بر این باور بود که وابستگی فرهنگی به معنای از دست دادن آزادی و عدالت است. او می‌گفت: «وقتی در یک جامعه عدل و آزادی پاسداری نشود، راه برای نفوذ بیگانه هموار می‌شود.» به اعتقاد او، وابستگی فرهنگی و فکری زمینه‌ساز وابستگی سیاسی و اقتصادی نیز می‌شود و ملت‌ها را در حلقه استعمار و استثمار گرفتار می‌کند. این وابستگی، دولت‌مردان را نیز از اتخاذ تصمیمات مستقل باز می‌دارد و آن‌ها را به دنبال‌رو و وابسته به قدرت‌های خارجی تبدیل می‌کند.

راهکارهای شهید بهشتی برای رهایی از وابستگی

شهید بهشتی با تأکید بر ضرورت استقلال فکری و عملی، راهکارهایی عملی برای مقابله با استعمار فکری ارائه داد:

۱. **احیای هویت اسلامی:** او معتقد بود که ملت‌های اسلامی باید به هویت اصیل خود بازگردند و ارزش‌های دینی و فرهنگی خود را احیا کنند. بهشتی بر این باور بود که شناخت درست از بنیادهای مذهبی و اجتماعی می‌تواند جامعه را به استقلال برساند.

۲. **تکیه بر توان داخلی:** از نگاه او، ملت‌ها باید سختی‌های استقلال را تحمل کنند و با تکیه بر توان داخلی، به خودکفایی برسند. او می‌گفت: «تکیه بر خود یکی از عوامل مهم راه‌های برون‌رفت از وابستگی است.»

۳. **تفکر خالص اسلامی و پرهیز از التقاط:** شهید بهشتی تأکید داشت که جامعه اسلامی باید تفکر خالص اسلامی را در پیش بگیرد و از هرگونه گرایش به شرق یا غرب پرهیز کند. او معتقد بود که شعار «نه شرقی، نه غربی» زیربنای استقلال فکری و فرهنگی است.

۴. **وحدت اسلامی و همبستگی بین‌المللی:** بهشتی بر اهمیت وحدت میان ملت‌های اسلامی تأکید داشت. او معتقد بود که اختلافات نباید مانعی برای همبستگی و اتحاد در مقابل استعمارگران باشد. او می‌گفت: «وحدت اسلامی، قدرتی عظیم برای مقابله با نفوذ بیگانگان و پیشبرد اهداف مشترک است.»

۵. **آموزش و پرورش مستقل و بومی:** او بر اهمیت نظام آموزشی مستقل و مبتنی بر فرهنگ اسلامی تأکید می‌کرد و معتقد بود که آموزش و پرورش نقش کلیدی در شکل‌گیری اندیشه و هویت نسل‌های آینده دارد.

جایگاه تمدن اسلامی در آینده بشریت

شهید بهشتی تمدن اسلامی را دارای ظرفیت‌های بی‌نظیری برای رهبری آینده بشریت می‌دانست. او بر این باور بود که تمدن اسلامی می‌تواند الگویی جامع برای تحقق عدالت، آزادی و پیشرفت ارائه دهد. بهشتی معتقد بود که تمدن‌های مادی غرب و شرق به دلیل فقدان معنویت و اخلاق، قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای عمیق انسانی نیستند. او می‌گفت:



نداک
اتحاد



نداک
اتحاد



«تمدن اسلامی با تکیه بر ارزش‌های الهی و انسانی، می‌تواند جایگزینی شایسته برای تمدن‌های مادی و استثمارگر باشد.»

انقلاب فرهنگی و تحقق اهداف انقلاب اسلامی

شهید بهشتی انقلاب فرهنگی را یکی از ارکان اصلی تحقق اهداف انقلاب اسلامی می‌دانست. او معتقد بود که تغییرات فرهنگی، زیربنای تحولات سیاسی و اقتصادی است. بهشتی با اشاره به تأثیرات گسترده انقلاب فرهنگی بر جامعه ایران، تأکید داشت که این انقلاب توانسته است پایه‌های استقلال فکری و فرهنگی کشور را تقویت کند. او بر نقش رسانه‌ها و هنر در گسترش فرهنگ اسلامی تأکید داشت و معتقد بود که رسانه‌ها باید پیام انقلاب را به اعماق وجدان‌های انسانی منتقل کنند. بهشتی می‌گفت: «رسانه‌ها باید با صداقت و شفافیت، پیام انقلاب را به عموم مردم منتقل کنند.»

نقش جوانان در تحقق استقلال فرهنگی

شهید بهشتی به نقش جوانان در پیشبرد اهداف استقلال فرهنگی توجه ویژه‌ای داشت. او معتقد بود که جوانان با انرژی و انگیزه بالای خود، می‌توانند موتور محرکه تغییرات فرهنگی و اجتماعی باشند. بهشتی می‌گفت: «جوانان باید با آگاهی و بصیرت، در مسیر استقلال فکری و فرهنگی گام بردارند.»

چالش‌های پیش‌رو و راه‌های مقابله با آن‌ها

شهید بهشتی با آگاهی از چالش‌های موجود در مسیر استقلال فرهنگی، به تحلیل آن‌ها می‌پرداخت و راهکارهایی برای مقابله ارائه می‌داد:

➤ **تهاجم فرهنگی و جنگ نرم:** او معتقد بود که استعمارگران از ابزارهای نوین برای نفوذ فرهنگی استفاده می‌کنند. بهشتی بر ضرورت افزایش آگاهی عمومی و تقویت سواد رسانه‌ای برای مقابله با این تهاجم تأکید داشت.

➤ **غرب‌زدگی و خودباختگی فرهنگی:** او این پدیده را یکی از موانع اصلی استقلال فرهنگی می‌دانست و از

اندیشمندان و نخبگان می‌خواست که با ارائه الگوهای بومی، به مقابله با آن بپردازند.

➤ **فقدان برنامه‌ریزی و مدیریت فرهنگی:** بهشتی بر اهمیت برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت کارآمد در حوزه فرهنگ تأکید می‌کرد و معتقد بود که بدون راهبردهای مشخص، دستیابی به اهداف ممکن نخواهد بود.

جمع‌بندی

اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی درباره استقلال فرهنگی و تمدن اسلامی، بر پایه اصولی همچون احیای هویت اسلامی، تکیه بر توان داخلی، تفکر خالص اسلامی، وحدت میان ملت‌های مسلمان و مقابله با استعمار فکری استوار است. او معتقد بود که بدون استقلال فرهنگی، استقلال سیاسی و اقتصادی نیز به معنای واقعی کلمه تحقق‌پذیر نخواهد بود. شهید بهشتی با تأکید بر ارزش‌های اصیل اسلامی و نیاز فطری انسان‌ها به استقلال، راهکارهایی عملی برای رهایی از وابستگی ارائه داد. دیدگاه‌های او نه تنها برای ملت ایران، بلکه برای تمام جوامع اسلامی و مستضعفان جهان راه‌گشا و الهام‌بخش است. او با جان‌فشانی و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر خود، الگویی از یک متفکر متعهد و عمل‌گرا ارائه داد که آرمان‌های والای خود را در عمل به منصف ظهور رساند. اندیشه‌های شهید بهشتی درباره استقلال فرهنگی و تمدن اسلامی همچنان می‌تواند راهنمایی برای جامعه امروز ما باشد. او با تأکید بر ارزش‌های فطری انسان و نیاز جوامع به استقلال، مسیری روشن برای دستیابی به تمدن اسلامی ترسیم می‌کند. تأکید او بر نقش دولت، مشارکت مردم، مبارزه با استعمار فکری و اهمیت دانش و تخصص، نشان‌دهنده راهی است که می‌توان با پیمودن آن به استقلال واقعی دست یافت.

منابع:

- مجموعه آثار شهید آیت‌الله دکتر بهشتی
- سخنرانی‌ها و نوشته‌های شهید بهشتی درباره استقلال فرهنگی
- تحلیل اندیشه‌های شهید بهشتی در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی

فرصت سوزی بزرگ!

پیش از ورود به این موضوع مهم، لازم است بگوییم که نگارنده این متن هیچ منفعت شخصی از مطرح کردن این بحث نمی‌برد و در زمان کوتاهی پس از انتشار این نشریه، با مدرک کارشناسی عمران و نه دندانی پزشکی! برای گذراندن خدمت سربازی اعزام خواهد شد. شاید در نگاه اول و با خواندن عنوان، ذهن مخاطب به مسائل مختلفی معطوف شود: مانند مهاجرت نخبگان و متخصصان، یا موانع سخت و پیچیده ارزشیابی مدارک فارغ‌التحصیلان خارج از کشور که بازگشت آنها را به تأخیر می‌اندازد. با این حال، موضوعی که می‌خواهم به آن بپردازم شاید حتی تعجب‌آورتر باشد. آیا می‌دانستید فارغ‌التحصیلان رشته‌های پزشکی، دندانی پزشکی و داروسازی که در دانشگاه‌های معتبر خارج از کشور تحصیل کرده‌اند و قصد دارند به ایران بازگردند و در این زمینه‌ها فعالیت کنند، برای ارزشیابی مدرک خود، مجبورند ابتدا به عنوان سرباز صفر به خدمت سربازی اعزام شوند؟ بله، تعجب کردید؟ چون حتی بسیاری از مسئولانی که با این موضوع مواجه شدند، تنها تعجب کردند و در نهایت، هیچ تغییری اتفاق نیفتاد.

این سوال منطقی است که چرا فردی که به عنوان متخصص وارد کشور می‌شود، باید دو سال از زندگی خود را در پایین‌ترین سطح ممکن و خارج از فضای علمی و کاری سپری کند؟ آیا این تضادی با توصیه‌های مقام معظم رهبری برای تسهیل بازگشت نخبگان و فارغ‌التحصیلان نیست؟ یا این سوال که آیا حمایت از جوانی جمعیت، ازدواج و تشکیل خانواده فقط با دادن مزایا و قرعه‌کشی برای خودرو و زمین محقق می‌شود؟ آیا تسهیل بازگشت و جذب این متخصصان جوان، حمایت واقعی از جوانی جمعیت و ازدواج آنان نیست؟ وقتی کشور با کمبود متخصص و پزشک به‌ویژه در مناطق محروم مواجه است، آیا درست است که این ظرفیت بزرگ متخصصان به دلیل بی‌تدبیری و سیاست‌های ناکارآمد از بین برود؟

به‌عنوان فردی که یک دوره مسئولیت صنفی در انجمن اسلامی دانشجویان مسکو را بر عهده داشته و از نزدیک با مشکلات دانشجویان آشنا بوده‌ام، دو پیشنهاد برای اصلاح این فرآیند دارم؛ باشد که مسئولین محترم گوش شنوایی داشته باشند:

(۱) به فارغ‌التحصیلان مدت حداکثر یک و نیم سال فرصت داده شود تا مدارک خود را ارزشیابی کنند و سپس به عنوان سرباز متخصص (پزشک، دندانی‌پزشک، داروساز و...) در ارگان‌های مربوطه به خدمت بپردازند.

(۲) مراحل ارزشیابی مدرک انجام شود، اما تا زمانی که خدمت سربازی توسط این افراد به عنوان متخصص کامل نشود، مدرک تحصیلی آنها آزاد نشده و شماره نظام پزشکی یا مجوز کار صادر نشود. امیدوارم این مسائل مورد توجه قرار گیرد و گامی برای حل این مشکل برداشته شود.

محمد مهدی آزاد
فارغ‌التحصیل دندانی‌پزشکی از دانشگاه
سچینوا مسکو و عضو شورای
مرکزی اتحادیه انجمن‌های اسلامی
دانشجویان اروپا



دانشگاه و جنبش‌های دانشجویی از آرمان‌ها تا چالش‌های امروز



احمد نادری
 نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی،
 عضو هیأت رئیسه مجلس و رئیس اسبق
 مجمع انجمن‌های اسلامی منطقه آلمان

مقدمه: عصر انقلاب‌ها و نقش دانشگاه

قرن بیستم را می‌توان یکی از پیچیده‌ترین و پرتلاطم‌ترین دوره‌های تاریخ بشر دانست؛ دورانی که شمار چشمگیری از انقلاب‌های سیاسی، جنبش‌های اجتماعی و تحول‌های بنیادین در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، علمی و اقتصادی رخ داد. ویژگی بارز این قرن، تنوع و فراوانی انقلاب‌ها، حرکت‌های مردمی و تلاش‌های پی‌درپی برای دگرگون ساختن ساختارهای قدرت و نظام‌های اجتماعی بود. از انقلاب ۱۹۱۱ چین که به فروپاشی امپراتوری دوهزارساله انجامید تا انقلاب ۱۹۱۷ روسیه که بساط نظام تزاری را برچید و یکی از بزرگ‌ترین تجربه‌های حکومت سوسیالیستی را به جهان عرضه کرد، و سرانجام تا انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ که بسیاری از پژوهشگران علوم سیاسی و تاریخ، آن را آخرین انقلاب کلاسیک قرن بیستم و بزرگ‌ترین رویداد انقلابی متأخر این عصر می‌دانند.

اگر به این رخدادها از منظر اجتماعی بنگریم، نه تنها طبقات گوناگون در این جنبش‌های مردمی در عرصه بودند، بلکه دانشگاه‌ها و نسل جوان دانشجوی نیز در فرآیند تحولات همواره نقشی برجسته ایفا کرده‌اند. در این میان، مفهوم "دانشگاه" از نهاد صرفاً علمی و آموزشی فراتر رفت و به "خاستگاهی برای اندیشه‌های نوین، آرمان‌های انقلابی و کانون تعاملی جوانانی تبدیل شد که برای آینده‌ای متفاوت تلاش می‌کردند." دانشگاه‌ها در این قرن، فقط محل آموختن علوم نبودند، بلکه به مثابه کانون‌های زایش اندیشه‌های تحول‌آفرین، آرمان‌های عدالت‌خواهانه و ایده‌هایی برای بازاریابی ساختار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع نقش آفرینی می‌کردند.

اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا؛ میراث یک جنبش تاریخی

در بستر تلاطم‌های فکری و سیاسی پیش از انقلاب اسلامی ایران، جنبش‌های دانشجویی ایرانی نیز تحرک چشمگیری داشتند. از نیمه‌های قرن بیستم، دانشجویان ایرانی در اروپا و دیگر نقاط جهان با هم‌اندیشی، کنشگری فکری و سازمان‌دهی فرهنگی، پایه‌های تشکلی را نهادند که همچنان ماندگارند. اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا یکی از میراث‌های ارزشمند آن دوران است؛ نهادی که در سال‌های پرتکاپوی دهه‌های منتهی به انقلاب اسلامی، به عنوان بستری برای اتحاد، آگاهی‌بخشی و بسیج نیروهای

دانشجو در خارج از کشور عمل کرد. این اتحادیه نه تنها محفل گفت‌وگو، همبستگی و انتشار افکار انقلابی بود، بلکه نقشی کلیدی در تقویت هویت اسلامی و ملی در میان دانشجویان دور از وطن ایفا کرد. اگرچه اعضای این اتحادیه در چهارچوب جغرافیایی اروپا فعالیت می‌کردند، اما نگاه و دغدغه‌هایشان کاملاً جهانی بود. در فضای آن روزگار، دانشجویانی که در بهترین دانشگاه‌های اروپایی تحصیل می‌کردند، سفیران اندیشه‌های نوین و حاملان پیام‌های تحول‌خواهی برای ملت خود بودند. این اتحادیه در کنار دیگر تشکلی‌های دانشجویی اسلامی، میراثی فرهنگی، سیاسی و معنوی از خود بر جای گذاشت که تا به امروز منبع الهام و الگویی برای نسل‌های جدید دانشجویان است.

جنبش‌های دانشجویی در عرصه جهانی؛ گستره نفوذ و قدرت انگیزش

جنبش‌های دانشجویی محدود به مرزهای ایران نبودند. در اروپا، آمریکا، آسیا و آمریکای لاتین، دانشجویان در صف مقدم بسیاری از رخدادها بزرگ اجتماعی و سیاسی ایستادند. اعتراضات مه ۱۹۶۸ در فرانسه، یکی از شناخته‌شده‌ترین این نمونه‌هاست که نه تنها جامعه فرانسه، بلکه کلیت جهان غرب را تکان داد. این جنبش، به روشنی نشان داد که دانشجویان صرفاً دریافت‌کنندگان دانش نیستند، بلکه می‌توانند در مقام مفسران و معترضان جدی نظم موجود، نقش آفرینی کنند. در چین، میدان تیان‌آن‌من در سال ۱۹۸۹ صحنه یکی از تأثیرگذارترین اعتراضات دانشجویی بود. دانشجویان چینی با تجمع در قلب پایتخت و طرح مطالبات آزادی‌خواهانه، توجه جهانیان را به خود جلب کردند. این رویداد، هرچند با سرکوبی دردناک مواجه شد، اما نشانه‌ای از قدرت و پتانسیل



تداک
اتحاد



تداک
اتحاد



دانشجویان برای ایستادگی در برابر ساختارهای سیاسی خفقان آور بود. همچنین در ایالات متحده آمریکا، جنبش‌های ضد جنگ وینتام در دهه ۱۹۶۰ میلادی، نشان دادند که زمانی که دانشگاهیان و دانشجویان به صحنه می‌آیند، می‌توانند دولت‌ها را در عرصه سیاست خارجی به چالش بکشند. این جنبش‌ها به وضوح اثبات کردند که اقصای دانشگاهی و نخبگان جوان قادرند بر افکار عمومی تأثیر بگذارند، روند تصمیم‌گیری سیاستمداران را تحت فشار قرار دهند و هزینه‌های جنگ‌های بیهوده را برای حاکمان روشن سازند.

تحول نقش دانشگاه از آرمان‌گرایی به تفسیرگری روزمره

با ورود به قرن بیست و یکم، جهان شاهد نوعی دگرگونی پارادایمیک در نقش دانشگاه و روشنفکران شد. آن آرمان‌گرایی و انقلابی‌گری که مشخصه دهه‌های میانی قرن بیستم بود، به تدریج رنگ باخت و جای خود را به نوعی روزمرگی و واقع‌گرایی گاه خشنی سپرد. زیگمونت باومن، جامعه‌شناس برجسته، در آثار خود به این نکته اشاره می‌کند که روشنفکران از جایگاه قانون‌گذار به مقام مفسر سقوط کرده‌اند. این بدان معناست که اندیشمندان و استادان دانشگاهی که زمانی پیش‌تاز طرح‌های بدیع و ارائه تفسیرهای کلان برای آینده جامعه بودند، امروزه بیشتر به تبیین وضعیت موجود، قرانت داده‌ها و توصیف شرایطی می‌پردازند که دیگر شور و التهاب‌تغییر ریشه‌ای در آن چندان محسوس نیست. دانشگاه‌ها نیز به موازات همین روند، از مراکزی که زمانی آرمان‌های بلندمدت و ایده‌آل‌گرایانه در آنها پرورش می‌یافت، به مکان‌هایی برای رفع نیازهای عملی روزمره و مهارت‌محور تبدیل شده‌اند. به بیان دیگر، در حالی که طی دهه‌های گذشته، هدف بسیاری از دانشجویان و استادان، تعهد به ارزش‌های سیاسی و اجتماعی و طراحی نقشه‌های راه برای تغییر ساختارهای قدرت بود، امروز بخش مهمی از کنشگران دانشگاهی، به یادگیری مهارت‌های حرفه‌ای، تضمین آینده شغلی و انباشت سرمایه انسانی برای حضور در بازار کار جهانی بسنده می‌کنند.

از روزمرگی به چالش‌های جدید: بحران‌ها و واکنش‌ها

اما آیا آرمان‌خواهی کاملاً از صحن دانشگاه‌ها رخت بر بسته است؟ پاسخ به این پرسش منفی است. جهان قرن بیست و یکم با چالش‌های نوینی مانند گرم‌شدن زمین، بحران‌های زیست‌محیطی، گسترش نابرابری‌های اقتصادی، ظهور راست‌گرایی افراطی در غرب، رشد جنبش‌های ملی‌گرایانه، شدت‌گرفتن تبعیض نژادی، مهاجرت‌سبزی و سرکوب جنبش‌های آزادی‌خواهانه مواجه است. این تحولات گاه بار دیگر روحیه اعتراض و نقد را در میان جامعه دانشگاهی بیدار می‌کند. یک نمونه بارز از زنده‌بودن آرمان‌گرایی، تظاهرات و اعتراضات استادان و دانشجویان در اروپا و آمریکا علیه جنایت‌های رژیم صهیونیستی در غزه است. در این رویدادها، جامعه دانشگاهی نشان داد که همچنان می‌تواند از جغرافیای علم و دانش فراتر رفته و به پهنه آزادی‌خواهی، عدالت‌طلبی و حمایت از ملت‌های مظلوم وارد شود. اگرچه بسیاری از این اعتراض‌ها ممکن است به سرعت تأثیر عینی و سیاسی نداشته باشند، اما در سطح افکار عمومی، تردیدهایی جدی درباره مشروعیت برخی دولت‌ها، سیاست‌ها و رژیم‌های زورمدار برمی‌انگیزند. چنین اعتراضاتی سبب می‌شود که دانشگاه‌ها بار دیگر به مثابه خاستگاه و جایگاهی برای بیان اعتراض‌های اخلاقی، انسانی و عدالت‌خواهانه ظاهر شوند.

میراثی برای نسل جدید: اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا به عنوان الگویی ماندگار

در این فضای پیچیده که روزمرگی و کنشگری آرمان‌گرایانه در جدال‌اند، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا می‌تواند همچنان الگویی برای دانشگاهیان امروزی باشد. این اتحادیه، نه تنها یادآور دوره‌ای است که دانشجویان ایرانی در اروپا با امید و انگیزه‌های بزرگ گرد هم آمدند، بلکه تجسم عینی امکانی است که نشان می‌دهد دانشگاه می‌تواند و باید فراتر از یک فضای تکنیکی و شغلی، بلکه عرصه‌ای برای کنش اجتماعی، تعامل بین‌فرهنگی و ترویج ارزش‌های عادلانه و انسانی باشد.

اگر به تجربه تاریخی این اتحادیه بنگریم، درمی‌یابیم که دانشجویان ایرانی در اروپا نه تنها برای حل مشکلات جاری



خود از جمله مسائل تحصیلی و اقامتی تلاش می‌کردند، بلکه در اندیشه وضعیتی مطلوب‌تر برای سرزمین مادری و هم‌میهنان خویش بودند. آنها با ترکیب حساسیت‌های هویتی، باورهای دینی و تحلیل‌های انتقادی درباره نظام سیاسی حاکم بر ایران پیش از انقلاب، توانستند نهال یک جنبش تأثیرگذار را در خاک دور از وطن بکارند. این اتحادیه نشان داد که دانشجوی می‌تواند در مقام یک پیام‌رسان هویت، حامل اندیشه و مجری طرح‌های تحول‌آفرین عمل کند.

تداوم وظیفه تاریخی: دانشگاه به عنوان خاستگاه ایده‌های نوین

شکی نیست که جهان امروز با جهان نیم‌قرن پیش تفاوت‌های بسیاری دارد. سرعت تحولات فناوری، پیچیدگی‌های نظام بین‌الملل و گستره تعاملات اقتصادی و فرهنگی چنان بالا رفته که گاه فرصت بازاندیشی درباره آرمان‌های دیرین محدود می‌شود. اما همین پیچیدگی‌ها و چالش‌ها، ضرورت بازآفرینی نقش دانشگاه‌ها را دوچندان می‌کند. اگر در گذشته دانشگاه‌ها کانون آرمان‌خواهی انقلابی بودند، امروز می‌توانند همچنان حلقه اتصال میان دانش تخصصی و وجدان اخلاقی باشند. در جهانی که کالاوارگی دانش، سلطه مصرف‌گرایی و اغوای زندگی روزمره، بسیاری را به سوی فردگرایی و بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت همگانی سوق داده است، دانشگاه می‌تواند با تکیه بر تاریخچه درخشان جنبش‌های دانشجویی، بار دیگر در مقام نماد پرسشگری و مطالبه‌گری ظاهر شود. اینجاست که اتحادیه‌های دانشجویی، مانند اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا، می‌توانند با احیا و بازخوانی میراث فکری و عملی خود، الگویی بدیع برای نسل جدید دانشجویان ارائه دهند. نسلی که در محاصره رسانه‌های جریان اصلی، تبلیغات مصرف‌گرا و سیاست‌های محافظه‌کارانه قرار دارد، اما همچنان می‌تواند با رجوع به این میراث تاریخی، هویتی جدید برای خود تعریف کند.

جامعه و دانشگاه: همزیستی برای آینده‌ای بهتر

دانشگاه‌ها همواره از جامعه تأثیر گرفته و بر جامعه تأثیر گذاشته‌اند. رابطه میان دانشگاه و جامعه یک رابطه‌ای یک‌سویه نیست، بلکه یک کنش متقابل است. تجربه انقلاب اسلامی ایران و ده‌ها جنبش دیگر در قرن بیستم نشان داد که اگر دانشجویان و استادان بخواهند، می‌توانند موتور محرکه تحولات عمیق اجتماعی باشند. این مسئولیت تاریخی در قرن بیست و یکم نیز برقرار است. امروز، با بحران‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی، مهاجران گریزان از جنگ و فقر، تبعیض‌های سیستماتیک نژادی و مذهبی، و رشد حرکات افراطی و خشونت‌آمیز، دنیا بیش از هر زمان دیگری نیازمند اندیشه‌های نو و آرمان‌های رهایی‌بخش است. این آرمان‌ها نه با تکیه بر خیال‌پردازی‌های مجرد، بلکه با تحلیل عمیق داده‌ها، پژوهش‌های گسترده میدانی، مشارکت‌های گسترده بین‌المللی و گفت‌وگوهای بین‌فرهنگی و بینارشته‌ای

می‌تواند شکل بگیرد. چنین فرایندی نیازمند دانشگاه‌هایی است که نه فقط محل صدور مدرک، بلکه خاستگاه ایده‌پردازی برای حل مسائل جهانی باشند. دانشگاه باید بار دیگر هویت خود را به عنوان محلی برای گفت‌وگوی آزاد، نقد قدرت، تولید دانش انتقادی و پرورش اندیشه‌های نوین بازابد.

بازگشت به آرمان‌خواهی: در جستجوی مدل‌های الهام‌بخش

مرور تاریخ جنبش‌های دانشجویی ما را به این نتیجه می‌رساند که حضور دانشجویان در عرصه عمومی همواره تضمینی برای زنده‌بودن روح پرسشگری و تحول‌خواهی بوده است. آنان با تکیه بر ایده‌آلهایی همچون عدالت، آزادی، استقلال و پیشرفت، به نقد وضعیت موجود پرداخته و برای آینده‌ای بهتر، طرحی نو در انداخته‌اند. اینک که جهان از نظر ارزش‌ها و آرمان‌های مشترک در دورانی مبهم به سر می‌برد، رجوع به الگوهای تاریخی همچون اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا، می‌تواند چراغ راهی برای حرکت رو به جلو باشد.

این اتحادیه و تجارب مشابه آن، نمایانگر ظرفیت عظیم دانشجویان برای خلق تاریخ‌اند. آنان که روزگاری دور از وطن، در محیطی ناآشنا و در فضایی مملو از تضارب آرا و اندیشه، توانستند از حاشیه‌نشینی دوری کنند و به بازیگران فعال صحنه تحولات سیاسی و اجتماعی بدل شوند، امروز نیز می‌توانند الهام‌بخش نسلی باشند که با چالش‌های تازه‌ای روبه‌روست. نسلی که نیاز دارد فضای دانشگاه را از روزمرگی و مصرف‌گرایی دور کرده و دوباره آن را به مرکزی برای آفرینش فکری، هم‌اندیشی جهانی، مقاومت در برابر بی‌عدالتی و پرسشگری بی‌وقفه تبدیل کند.

نتیجه‌گیری: امید به بازآفرینی نقش پیشرو دانشگاه

تاریخ گواهی می‌دهد که دانشگاه همواره نقشی بیش از یک محیط آکادمیک را ایفا کرده است. این نهاد می‌تواند، و باید، محل تلاقی اندیشه‌های متنوع، انگیزه‌های بلندمدت و آرمان‌های متعالی باشد. اگرچه قرن بیست و یکم با سیطره روزمرگی، لذت‌گرایی و مصرف‌گرایی همراه است، اما همچنان می‌توان نشانه‌های امید را در جنبش‌های اعتراض‌آمیز علیه بی‌عدالتی، در اعتراضات ضدجنگ و ضدنژادپرستی، در فعالیت‌های فرهنگی و فکری و در سازمان‌هایی چون اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا مشاهده کرد. این اتحادیه می‌تواند همچنان الگویی الهام‌بخش برای نسل جدید دانشجویان باشد تا در مواجهه با چالش‌های دوران خویش، از روحیه آرمان‌خواهی، مطالبه‌گری و همبستگی بهره گیرند. بدین ترتیب، دانشگاه بار دیگر می‌تواند جایگاه خاستگاه آرمان‌های نوین را احیا کرده و در قامت نهادی راهبردی برای ساختن جهانی بهتر ظاهر شود. این رسالت تاریخی که از اوایل قرن بیستم تا امروز در نهاد دانشگاه باقی مانده است، همواره متکی بر ایمان به توانایی انسان در تغییر ساختارهای نامطلوب و ایمان به نسل جوان در راهبری تحولات آینده خواهد بود.



خطرات اخذ پذیرش بدون مشاوره

تشریح معایب و خطرات اقدام به اخذ پذیرش از دانشگاه‌های خارجی بدون مشاوره با وکیل مهاجرتی

در دنیای امروز، تحصیل در دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی برای بسیاری از افراد به عنوان یک هدف اصلی مطرح است. اما اقدام به این فرآیند پیچیده بدون مشاوره و کمک یک وکیل مهاجرتی می‌تواند معایب و خطرات زیادی به همراه داشته باشد.

عدم آگاهی از قوانین و مقررات

یکی از بزرگ‌ترین خطرات، عدم آگاهی از قوانین و مقررات مهاجرتی کشور مقصد است. هر کشور شرایط خاصی برای پذیرش دانشجویان بین‌المللی دارد و افراد غیرحرفه‌ای ممکن است اطلاعات ناقص یا نادرستی ارائه دهند. این امر می‌تواند منجر به رد درخواست یا حتی مشکلات قانونی شود.

احتمال تقلب و کلاهبرداری

افرادی که به صورت غیررسمی و بدون مجوز فعالیت می‌کنند، ممکن است به دلیل عدم نظارت و کنترل‌های قانونی به کلاهبرداری و تقلب بپردازند. این موضوع می‌تواند باعث از دست رفتن وقت و هزینه‌های زیادی برای متقاضیان شود.

عدم پشتیبانی در مراحل بعدی

پس از اخذ پذیرش، مراحل دیگری مانند اخذ ویزا، پیدا کردن محل اقامت و آشنایی با قوانین محلی وجود دارد. وکلای مهاجرتی به دلیل تجربه و دانش خود می‌توانند در این مراحل نیز کمک کنند. اما افرادی که به صورت غیررسمی عمل می‌کنند، معمولاً این نوع پشتیبانی را ارائه نمی‌دهند.

آسیب به اعتبار دانشگاه

اگر متقاضیان با استفاده از مشاوره‌های نادرست یا نادرست وارد دانشگاه‌های خارجی شوند، این می‌تواند به اعتبار دانشگاه آسیب برساند. دانشگاه‌ها ممکن است به دلیل این نوع رفتارها، در روند پذیرش متقاضیان سخت‌گیری بیشتری به خرج دهند.

مظفر قره شیخ بیات

کارآموز وکالت مرکز وکلا

مشکل در تکمیل مدارک

تکمیل مدارک لازم برای پذیرش تحصیلی فرآیندی زمان‌بر و حساس است. افراد غیرحرفه‌ای ممکن است نتوانند به درستی این مدارک را تکمیل کنند یا مدارک اشتباهی ارائه دهند.

کلاهبرداری‌های رایج

ذکر این نکته بسیار حائز اهمیت است که در زمینه اخذ پذیرش از دانشگاه‌های خارجی و مهاجرت تحصیلی، چند نوع وجود دارد که باید از آن‌ها آگاه باشید:

خدمات مشاوره اشتباه

برخی از شرکت‌ها یا افراد به عنوان مشاوران آموزشی یا مهاجرتی خود را معرفی می‌کنند و وعده می‌دهند که می‌توانند شما را در فرآیند پذیرش یاری کنند. اما ممکن است خدمات با کیفیت پایین یا اطلاعات نادرست ارائه دهند. این موضوع می‌تواند منجر به رد درخواست یا از دست دادن فرصت‌های تحصیلی شود.

ارائه مدارک جعلی

برخی کلاهبرداران ممکن است به شما پیشنهاد دهند که مدارک جعلی (مانند نامه‌های پذیرش، مدارک تحصیلی و ...) برای ارائه به دانشگاه‌ها تهیه کنند. استفاده از چنین مدارکی می‌تواند عواقب جدی به دنبال داشته باشد و حتی منجر به دیپورت یا ممنوعیت ورود به کشور شود.

وبسایت‌های جعلی

برخی کلاهبرداران وبسایت‌هایی ایجاد می‌کنند که به نظر می‌رسد مربوط به دانشگاه‌های معتبر باشند. این وبسایت‌ها ممکن است به دانشجویان وعده‌های دروغین بدهند و از آن‌ها پول بگیرند. بدون اینکه خدمات واقعی ارائه دهند.

هزینه‌های پنهان

در برخی موارد، شرکت‌های مشاوره‌ای هزینه‌های پنهانی را به مشتریان خود تحمیل می‌کنند که در ابتدا به آن‌ها اشاره نمی‌شود. این هزینه‌ها می‌تواند شامل هزینه‌های اضافی برای خدمات خاص باشد که در ابتدا بیان نشده‌اند.

کلاهبرداری‌های ویزا

کلاهبرداران ممکن است به شما وعده ویزای تحصیلی سریع و بدون مشکل دهند. این افراد معمولاً از دانشجویان هزینه‌های بالایی دریافت می‌کنند و در نهایت نمی‌توانند ویزای قانونی برای آن‌ها تهیه کنند.

وعده‌های غیرقانونی

برخی افراد ممکن است به دانشجویان وعده کار در خارج از کشور را بدهند. در حالی که این وعده‌ها ممکن است غیرقانونی باشد. کار کردن به عنوان دانشجوی بین‌المللی بدون مجوز می‌تواند عواقب جدی داشته باشد.

اقدام به اخذ پذیرش از دانشگاه‌های خارجی بدون مشاوره وکیل مهاجرتی می‌تواند با معایب و خطرات جدی همراه باشد. برای جلوگیری از مشکلات احتمالی و اطمینان از روند صحیح مهاجرت، توصیه می‌شود که از خدمات وکلا و مشاوران معتبر استفاده کنید. این کار نه تنها به تسهیل فرآیند کمک می‌کند، بلکه از بروز مشکلات و چالش‌های آینده نیز جلوگیری می‌نماید.



نداک اتحاد



نداک اتحاد



فیلترینگ اینترنت در ایران چالشی بر سر راه توسعه ارتباطات

امید حمادی
نویسنده و گردآورنده

در دهه‌های اخیر، اینترنت به یکی از اصلی‌ترین ابزارهای ارتباطی، اطلاعاتی و اقتصادی در جهان تبدیل شده است. با این حال، در ایران، فیلترینگ اینترنت به یکی از مسائل چالش برانگیز و بحث برانگیز تبدیل شده که تأثیرات گسترده‌ای بر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی و اقتصادی کشور داشته است. این سیاست که با هدف کنترل دسترسی به اطلاعات و مدیریت فضای مجازی اجرا می‌شود، نه تنها بر زندگی روزمره مردم تأثیر گذاشته، بلکه به مانعی جدی بر سر راه پیشرفت اقتصادی، فرهنگی و ارتباطات بین‌المللی ایران تبدیل شده است. با روی کار آمدن دولت‌های جدید، امیدهایی برای کاهش محدودیت‌ها و بازگشایی فضای مجازی به وجود آمد. اما این تلاش‌ها با مقاومت شدید جناح‌های تندرو و گروه‌هایی که منافع اقتصادی و سیاسی در ادامه فیلترینگ دارند، مواجه شده است. در این مقاله، به بررسی تأثیرات فیلترینگ اینترنت بر اقتصاد دیجیتال، صنعت گردشگری، ارتباطات بین‌المللی و اجتماعی ایران می‌پردازیم و ضرورت بازنگری در این سیاست‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهیم.

فیلترینگ و اقتصاد دیجیتال: فرصت‌سوزی در عصر نوآوری

ایران با جمعیتی جوان و تحصیل کرده، دارای پتانسیل بالایی برای توسعه اقتصاد دیجیتال است. با گسترش اینترنت و دسترسی به فناوری‌های نوین، کسب‌وکارهای آنلاین و استارت‌آپ‌ها در سال‌های اخیر رشد چشم‌گیری داشته‌اند. پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام، واتساپ و تلگرام به ابزارهای اصلی برای بازاریابی، فروش و ارتباط با مشتریان تبدیل شده‌اند. اما با اعمال فیلترینگ گسترده بر این پلتفرم‌ها، بسیاری از این کسب‌وکارها با مشکلات جدی مواجه شده‌اند. طبق گزارش اتاق بازرگانی تهران، بیش از ۹ میلیون کسب‌وکار خرد و متوسط در ایران وابسته به اینستاگرام بودند. پس از فیلترینگ این پلتفرم، بسیاری از این کسب‌وکارها با کاهش فروش، از دست دادن مشتریان و حتی تعطیلی روبه‌رو شده‌اند. این مسئله نه تنها به بیکاری و کاهش درآمد افراد منجر شده، بلکه به اقتصاد کشور نیز ضربه زده است. استارت‌آپ‌ها، به عنوان موتور محرک نوآوری و توسعه فناوری در کشور، برای جذب سرمایه‌گذاری و دسترسی به بازارهای بین‌المللی نیاز به اینترنت آزاد و بدون محدودیت دارند. فیلترینگ گسترده، ارتباط آن‌ها با سرمایه‌گذاران خارجی و مشارکت در رویدادهای بین‌المللی را دشوار کرده است. این موضوع باعث کاهش توان رقابتی آن‌ها در سطح جهانی شده و فرصت‌های رشد و توسعه را از بین برده است.

تأثیر فیلترینگ بر آموزش و پژوهش

یکی دیگر از بخش‌هایی که تحت تأثیر فیلترینگ اینترنت قرار گرفته، حوزه آموزش و پژوهش است. دانشجویان، اساتید و پژوهشگران برای دسترسی به منابع علمی، مقالات و ارتباط با جامعه علمی جهانی نیاز به اینترنت آزاد دارند. محدودیت‌ها



نداک
اتحاد

فرصت‌های از دست رفته در صنعت گردشگری

ایران با تاریخچه‌ای غنی، فرهنگ متنوع و جاذبه‌های طبیعی بی‌نظیر، یکی از مقاصد بالقوه گردشگری محسوب می‌شود. اما گردشگری کشور به دلیل فیلترینگ اینترنت و محدودیت‌های ارتباطی با چالش مواجه شده است. گردشگران خارجی برای برنامه‌ریزی سفر، رزرو اقامتگاه‌ها، دریافت اطلاعات و ارتباط با خانواده و دوستان خود نیاز به دسترسی به اینترنت دارند. محدودیت‌های اینترنتی تجربه سفر گردشگران را تحت تأثیر منفی قرار داده است. بسیاری از آن‌ها پس از مواجهه با مشکلات ارتباطی، ایران را به عنوان مقصدی با امکانات ناکافی در نظر می‌گیرند و این امر به کاهش تعداد گردشگران ورودی به کشور منجر شده است. علاوه بر این، کسب‌وکارهای مرتبط با گردشگری، به دلیل عدم دسترسی به پلتفرم‌های بین‌المللی تبلیغاتی، توانایی جذب مشتریان خارجی را از دست داده‌اند.

اینترنت ماهواره‌ای: تغییر بازی در معادلات فیلترینگ

با پیشرفت فناوری، اینترنت ماهواره‌ای به عنوان یک راهکار جدید برای دسترسی به اینترنت بدون نیاز به زیرساخت‌های زمینی مطرح شده است. شرکت‌هایی مانند استارلینک خدمات اینترنت ماهواره‌ای را ارائه می‌دهند که می‌تواند فیلترینگ را به طور کامل دور بزند. اما هزینه بالای تجهیزات و اشتراک ماهیانه این خدمات، استفاده از آن را برای بسیاری از مردم غیرممکن ساخته است. این وضعیت باعث ایجاد شکاف دیجیتالی و طبقاتی در جامعه شده است. در حالی که اقشار مرفه می‌توانند از اینترنت بدون محدودیت استفاده کنند، سایر اقشار جامعه مجبور به تحمل محدودیت‌ها یا پرداخت هزینه‌های اضافی برای خرید وی‌پی‌ان هستند. این نابرابری در دسترسی به اطلاعات و ارتباطات، با اصول عدالت اجتماعی در تضاد است و می‌تواند به افزایش نارضایتی‌های اجتماعی منجر شود.



ارتباطات بین‌المللی و اجتماعی: پل‌های ارتباطی که فرومی‌ریزند

فیلترینگ اینترنت تأثیرات عمیقی بر ارتباطات بین‌المللی ایرانیان داشته است. میلیون‌ها ایرانی در خارج از کشور زندگی می‌کنند که برای ارتباط با خانواده و دوستان خود در ایران به پلتفرم‌های ارتباطی آنلاین متکی هستند. محدودیت‌ها در دسترسی به این پلتفرم‌ها، هزینه‌ها و مشکلات ارتباطی را افزایش داده و روابط خانوادگی و اجتماعی را دچار اختلال کرده است. علاوه بر این، در دنیای جهانی‌شده امروز، ارتباط با جوامع بین‌المللی برای تبادل فرهنگی، علمی و اقتصادی اهمیت بسیاری دارد. فیلترینگ اینترنت، دسترسی به شبکه‌های اجتماعی، وبسایت‌ها و پلتفرم‌های ارتباطی بین‌المللی را محدود کرده و ایران را در انزوای دیجیتال قرار داده است.

منافع اقتصادی و سیاسی در پشت پرده فیلترینگ

یکی از دلایل اصلی مقاومت در برابر رفع فیلترینگ اینترنت، منافع اقتصادی و سیاسی گروه‌های خاص است. بازار فروش وی‌پی‌ان و پروکسی در ایران به یک صنعت پرسود تبدیل شده که برای برخی افراد و گروه‌ها درآمدهای قابل توجهی ایجاد می‌کند. ادامه فیلترینگ به معنای تداوم این درآمد‌هاست. از سوی دیگر، برخی جناح‌های سیاسی فیلترینگ را ابزاری برای کنترل اطلاعات و مدیریت افکار عمومی می‌دانند. آن‌ها معتقدند که کاهش محدودیت‌ها می‌تواند به افزایش دسترسی مردم به اطلاعات خارجی، نقد حکومت و تغییر ارزش‌های فرهنگی منجر شود. بنابراین، برای حفظ قدرت و کنترل اجتماعی، به حفظ فیلترینگ تأکید می‌کنند.

نتیجه‌گیری: لزوم بازنگری و حرکت به سوی آینده‌ای روشن‌تر

فیلترینگ اینترنت در ایران، با وجود اهداف اعلام شده، تأثیرات منفی گسترده‌ای بر جنبه‌های مختلف زندگی مردم و توسعه کشور داشته است. در عصری که اطلاعات و ارتباطات نقش کلیدی در پیشرفت جوامع دارند، محدودیت‌های اینترنتی می‌تواند به انزوای بین‌المللی، کاهش رقابت‌پذیری اقتصادی و نارضایتی‌های اجتماعی منجر شود. دولت و سیاست‌گذاران باید با درک شرایط جهانی و نیازهای داخلی، به بازنگری در سیاست‌های اینترنتی بپردازند. رفع محدودیت‌های اینترنتی می‌تواند به تقویت اقتصاد دیجیتال، رشد استارت‌آپ‌ها، توسعه صنعت گردشگری، ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش و بهبود ارتباطات بین‌المللی منجر شود. علاوه بر این، دسترسی آزاد به اطلاعات و ارتباطات، می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی، تقویت مشارکت مدنی و بازسازی اعتماد میان مردم و حکومت کمک کند. حرکت به سوی اینترنت آزاد و بدون محدودیت، نه تنها یک ضرورت اقتصادی و اجتماعی است، بلکه گامی اساسی در جهت پیشرفت و توسعه پایدار کشور محسوب می‌شود.



نداک
اتحاد



کوثر احمدی
 دانشجوی رشته پزشکی

سپیده دم اندیشه

به نام جهاندار جان آفرین، حکیم بی همتا که بر زبان آدمی، عصاره کلام و گوهر بیان را بخشید، و به نام آن دانای آشکار و نهان که انسان را از عدم به وجود آورد و هستی را صفحه‌ای کرد تا او بر آن بنگارد و از حکمت‌های سرشارش بیاموزد. او که علوم را در کام کلمات نهاد و کرامت‌های اندیشه را همچون تاجی زرّین، بر سر برترین آفریده خویش نهاد و انسان را، که طالب و تشنه معرفت بود، با گوهر دانش سیراب ساخت.

دانشجویان، جویندگان حقیقت، تشنه کامان حکمت و صاحبان علم و عمل! سلام بر شما؛ سلامی زلال و شفاف که در پرتو بارقه‌های زرّین اندیشه شما می‌درخشد، سلامی به وسعت افق گشوده دانش و فراخنای بی‌کرانه اندیشه. این سلام، به گرمی نخستین اشعه خورشید بر برگ‌های رنگین پاییز است، همچون آغازی دل‌انگیز در بامداد دانایی. سلامی است هم‌ارز عظمت دریاها، ژرف، که هر موج آن نقش هزاران سؤال بر ذهن می‌زند و تو را به سواحل پاسخ‌های تازه می‌رساند. این درود، به نرمی نسیمی است که عطر خوش دانستن را بر بوستان اندیشه شما می‌پراکند و جویبار حکمت را در جان‌ها جاری می‌کند.

اینک فرا رسیده است روز تو؛ روز برآمدن آفتاب حقیقت از افق وجود تو، روز پیوند ژرف دانش و دمیدن جان در کالبد اندیشه، روزی که از پس حروف و واژگان کتب، نوای «ن والقلم» برمی‌خیزد و معنا می‌تراود. این روز، به راستی روز برآیند شور

و شعور است؛ روز رستن و شکفتن اندیشه، روز نوشیدن از چشمه زلال معرفت و آموختن درس‌های نغز از زبان گیتی. چه روز مبارکی است شانزدهم آذرماه، که نام تو، ای دانشجو، بر پهنه تقویم زمان نقش بسته و رسالت سترگت را بر جهانیان فریاد می‌کند.

دوران دانشجویی، گذرگاهی است میان خامی و پختگی، راهی است پرپیچ‌وخم که بارها و بارها در آن چشم بر هم می‌نهد و بیدار می‌شوی، شبانه بر کتاب‌های خم می‌شوی و بار دیگر در صبحگاهان از بلندای آموخته‌هایت به افق‌های بیکران می‌نگری. در این دوران، استکان‌های نیمه‌نوشیده قهوه، نشانه‌های بیداری اجباری است و چرت‌های کوتاه میان صفحات جزوات، پرده سینمایی از آینده‌هایی است که در اندیشه‌ات نقش می‌بندند. دوران دانشجویی، بالشی دارد ساخته از برگ‌های سفید کاغذ، آکنده از فرمول‌ها و اعداد، معادلات و واژه‌ها، و تو هر سحرگاه از کنار این بالش سفت و بی‌مدارا، با نگاه خسته اما امیدوار برمی‌خیزی. این روزها، با تمام استرس‌ها و دلشوره‌ها، با تمام قرمزی چشم‌ها از کم‌خوابی و هراس سؤال‌های ناخوانده، راهی هستند به باغستان دانایی. عجب آنکه همین ایام، زمانی که به پایان می‌رسند، دل را تنگ می‌کنند؛ آن هنگام که برگه آخر این کتاب به پایان می‌رسد، برمی‌گردی و آرزو می‌کنی کاش دوباره می‌توانستی از نو آغاز کنی و در میان سطرهای نانوشته دانشجویی، دوباره خاطره بیافرینی.

دل دانشجو، دانشگاهی است بی‌کران؛ نه بر زمینی محدود و نه در چارچوبی تنگ، بلکه در فراز کهکشان اندیشه گسترده است. این دل، همچون دریایی است ژرف که امواج حکمت و دانش را بی‌وقفه بر سواحل ذهن‌های تشنه می‌کوبد. به هر برگ تاریخ که می‌نگری، ردپای طلایه‌دارانی را می‌بینی که دانشجو بوده‌اند و اکنون در قله‌های افتخار علمی می‌درخشند. دانشجویانی که تنها کتاب به دست نگرفتند، بلکه چراغی بودند برای نسل‌های پسین، نورافکن‌هایی بودند تاراه را از چاه جدا کنند، و نشانی از بی‌مرزی دانش در عرصه حیات انسانی. سلام بر دستانی که چون ستاره‌ای بر بلندای علم می‌درخشند و از دل‌های خاکی زمینیان، درختان معرفت می‌رویانند. سلام بر چشمانی که وقتی در جاده دانش می‌نگرند، درختان برای احترام، اندکی سر فرود می‌آورند و آفرینش در برابرشان به تعظیم می‌ایستد.

اینک شانزدهم آذرماه است؛ روزی که در آن تو، دانشجو، جلوه‌ای از دانش و بینش را در برگ برگ تقویم تاریخی جاودانه کرده‌ای. امروز، روزی است که تو را می‌نگریم و می‌بینیم چگونه تجربه‌های دیروز، امروز و فردا را به هم پیوند می‌زنی، چگونه از لابه‌لای کتاب‌ها و سخنان استادان، آینده را نقش می‌زنی، آینده‌ای آکنده از دانایی و سربلندی. امروز، تو همچون پلی هستی میان گذشتگان خردمند و آیندگان امیدوار، تو گام‌هایت را بر لوح دل‌ها حک می‌کنی تا طنین گام‌های اندیشه تا ابد در ذهن تاریخ بماند و خورشید علم، در هزاره‌های آینده همچنان طلوع کند. دانشجو بودن، تنها یک عنوان نیست؛ معرفتی

است زنده و در جریان، رودخانه‌ای است که از چشمه خرد سرچشمه می‌گیرد و به دریای آگاهی می‌ریزد. دانشجو به دنبال حقیقت است، نه تن دادن به عادت. این فرصت، یادآور آن است که علم تنها انباشتن واژه‌ها و فرمول‌ها نیست، بلکه چراغی است برای کشف معانی عمیق‌تر حیات، برای ساختن آینده‌ای که در آن، سقف خانه بشریت را نه تنگ‌نظری، که گشودگی ذهن و همدلی می‌سازد.

شانزدهم آذرماه، روز دانشجو، فرصتی است تا به یاد آوریم که اندیشه، مانند بذری است که در دل دانشجو کاشته می‌شود و با آبیاری مداوم پرسش‌ها و کاوش‌ها به نهالی تنومند بدل می‌گردد. این روز، پاسداشت حضور توست در عرصه دانش و معرفت، گرمی‌داشت شور و شعوری که در رگ‌های تو جریان دارد. تو با اندیشه‌هایت، همان‌گونه که امامزادگان خرد در دل تاریخ بوده‌اند، بر این خاک کهن گام می‌گذاری تا روزگاری فراتر از مرزهای حال را بنیان نهی، تا چراغی روشن باشی در افق بیکران دانایی. آری، در این روز، افتخار می‌کنیم به تو، به نفس‌هایت که عطر دانایی را در فضا می‌پراکنند، به چشم‌هایت که افق‌های نادیده را جست‌وجو می‌کنند، به دست‌هایت که مسیرهای نانوشته علم را می‌گشایند. تو هستی که با پیوند گذشته و حال، آینده را به تابلویی زرنگار از ابدیت و جاودانگی بدل می‌کنی. اینک اندیشه‌های ما بر نام تو متمرکز است، و شکوه و اقتدارت را می‌ستاید تا روزی که صدای گام‌هایت، در گوش زمان، نغمه‌ای جاودان سازد و طلوع دل‌انگیز خورشید علم، در چشم‌انداز فردا همواره پایدار بماند.

امام و نخبگان نشانه مجسم رستاخیز ملی و دینی

گیت سرها، پیر - روزنامه نگار

[حضرت] آیت‌الله خمینی (رحمه‌الله‌علیه) برای ایرانیان و مسلمانان جهان سوم نشانه مجسم رستاخیز ملی و دینی شده است. مقاومت در برابر ستمگری اولین وظیفه انسان است که از نماز و روزه برتر است. این شعار در تمام دوره زندگیش رهنمون وی بوده است با سرسختی و سازش ناپذیری و بدون وحشت در آن ابرام ورزید و یک زمین لرزه سیاسی ایجاد کرد که دنیا را متزلزل کرد. او برای توده‌های ایران و برای ۲۰۰ میلیون شیعه جهان و علاوه بر آنها برای نشانه مسلمانان سنی مجسم راه رستاخیز ملی و دینی شده است. آمل عمیق ایرانیانی که او را تحسین می‌کنند و ملل دنیای سوم که از غرب سرخورده هستند، در او تجسم یافته است. پیروان و شاگردانش شهامت و تزلزل ناپذیری او را می‌ستایند و منتقدان و مخالفانش او را انتقام جو و سرسخت می‌نامند.



سیاست جنایی در اسلام

بخش اول: از مفهوم تا تطبیق با نظام‌های حقوقی دیگر



محسن رحمانی تبار
دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی
مشاور حقوقی و مقیم فرانسه

سیاست جنایی به‌عنوان سند راهبردی برای سیاست کلان عدالت کیفری، ابزاری بنیادین برای تنظیم روابط اجتماعی و مقابله با ناهنجاری‌ها در هر جامعه‌ای به شمار می‌رود. این مفهوم، متناسب با ارزش‌ها، فرهنگ و نیازهای جوامع مختلف، رویکردهای گوناگونی را اتخاذ می‌کند. در نظام‌های حقوقی اسلامی، سیاست جنایی با الهام از مبانی شریعت و آموزه‌های الهی نه تنها در پی کنترل و کاهش جرائم است، بلکه به اصلاح اخلاقی جامعه و تقویت فضایل انسانی نیز اهتمام ویژه دارد. این ترکیب از رویکردهای حقوقی و اخلاقی، سیاست جنایی اسلامی را به الگویی جامع و متمایز تبدیل کرده است.

آنچه در این پژوهش پیش روی شما قرار دارد، نتیجه تلاشی فکری و تحقیقی در متون اسلامی و حقوق کیفری است که بر پایه دیدگاه‌های شخصی تدوین شده است. این متن می‌تواند به‌عنوان نظریه‌ای تحلیلی در حوزه سیاست جنایی اسلامی عرضه می‌شود. از این‌رو هرگونه نقد، بررسی و گفت‌وگوی علمی از سوی شما خوانندگان گرامی، فرصتی گران‌بها برای غنای این بحث خواهد بود. این متن برای آن دسته از مخاطبانی نوشته شده است که ذهنی باز و آمادگی پذیرش و بررسی نظریات مختلف را دارند. کسانی که به جای تقابل، به تحلیل می‌پردازند و علاقه‌مند به تفکر در مورد سیاست جنایی اسلامی هستند.

در این پژوهش، تلاش شده است که اصول حاکم بر سیاست جنایی اسلامی به گونه‌ای بازنمایی شود که از یک‌سوریشده در آموزه‌های دینی داشته و از سوی دیگر پاسخگوی مسائل معاصر باشد. این اصول با هدف مدیریت جرائم، حفظ کرامت انسانی و پیشگیری از بروز ناهنجاری‌های اجتماعی تدوین شده‌اند و می‌توانند الگویی کارآمد برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه، اخلاق‌محور و امن باشند.



تعریف سیاست جنایی

در تعریف سیاست جنایی، در ابتدا ضروری است این نکته مورد تأکید قرار گیرد که منظور از «سیاست» در اینجا، مفهوم رایج آن در علوم سیاسی که بر محوریت قدرت و رقابت‌های سیاسی استوار است نمی‌باشد. بلکه سیاست در این زمینه به معنای «تدبیر راهبردی» و «نگاه کلان» به مدیریت و پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی، تنظیم هنجارها و مقابله با رفتارهای ضدقانونی و ضداجتماعی است.

در واقع، سیاست جنایی مجموعه‌ای از راهبردها و ابزارهاست که در تعامل میان حقوق کیفری، حقوق عمومی، حقوق خصوصی، و سیاست‌های اجتماعی، برای پاسخ به جرائم و انحرافات اجتماعی طراحی می‌شود. بنابراین سیاست کیفری اخص از سیاست جنایی است. این نگاه راهبردی، بر پایه ارزش‌های حقوقی، اخلاقی و اجتماعی هر جامعه استوار بوده و هدف آن ایجاد نظامی پایدار و ارتقای همبستگی اجتماعی است. بدین ترتیب به نظر می‌رسد، سیاست جنایی مجموعه‌ای از راهبردها، تدابیر، و اقدامات است که دولت و جامعه برای پیشگیری و مقابله با جرائم و انحرافات اجتماعی اصلاح مجرم و جبران خسارت بزه دیده اتخاذ می‌کنند. این مفهوم ابعاد متعددی دارد:

- سیاست جنایی تقنینی: وضع قوانین کیفری و مدنی برای تنظیم رفتارهای اجتماعی.
- سیاست جنایی قضایی: نحوه اجرای قوانین از طریق نظام قضایی.
- سیاست جنایی اجرایی: اقدامات نهادهای اجرایی و

سیاست جنایی در نظام‌های حقوقی مختلف

انتظامی در پیشگیری و مقابله با جرم. سیاست جنایی مشارکتی: استفاده از ظرفیت‌های جامعه مدنی، نهادهای مذهبی، و رسانه‌ها در مقابله با ناهنجاری‌ها. این تقسیم‌بندی‌ها، نشان‌دهنده پیچیدگی سیاست جنایی و نیاز به هماهنگی بین نهادهای مختلف برای اجرای مؤثر آن است.

- در نظام‌های حقوقی جهان، سیاست جنایی بر اساس اصول و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی هر جامعه تعریف می‌شود. برای مثال:
- در نظام‌های لیبرال، بر حفظ آزادی‌های فردی و حقوق شهروندی تأکید می‌شود. سیاست جنایی در این کشورها اغلب مبتنی بر کاهش مجازات‌ها و استفاده از روش‌های ترمیمی است.
- در نظام‌های سوسیالیستی، کنترل اجتماعی و حفظ نظم عمومی بر منافع جمعی اولویت دارد.
- در نظام‌های اسلامی، سیاست جنایی با تکیه بر آموزه‌های دینی و اخلاقی شکل می‌گیرد. یکی از اصلی‌ترین نقاط تمایز در این نظام‌ها، نگرش به مفهوم «آزادی» است. در نظام‌های لیبرال و اسلامی، آزادی مفهومی کلیدی است، اما تعریف و محدودیت‌های آن به‌طور اساسی متفاوت است.

در نظام‌های لیبرال، مفهوم آزادی محور اصلی تمام سیاست‌ها، از جمله سیاست جنایی، است. آزادی در این نظام بسیار وسیع و بدون محدودیت‌های فرهنگی



یا دینی خاص تعریف می‌شود. در این دیدگاه آزادیهای اساسی جامعه با دو محدودیت مواجه است :

۱. تعارض با حقوق دیگران: آزادی فردی تا جایی مجاز است که به حقوق دیگران آسیبی وارد نکند. این محدودیت برای تضمین احترام به حقوق شهروندی سایر افراد جامعه اعمال می‌شود.

۲. رعایت نظم عمومی: رفتارهایی که تهدیدی برای نظم اجتماعی باشند، خارج از حدود آزادی تلقی شده و مشمول برخورد قانونی قرار می‌گیرند.

لذا در نظام لیبرالیستی از یک سو حقوق و آزادی‌های فردی اولویت دارد: در این نظام، تمرکز اصلی بر حمایت از آزادی فردی در برابر دخالت دولت یا گروه‌های اجتماعی است. به همین دلیل، سیاست جنایی اغلب مبتنی بر کاهش مجازات‌ها و جایگزینی آنها با روش‌های ترمیمی و بازپروری است. و از سوی دیگر آزادی در نظام‌های لیبرال به‌ندرت با معیارهای اخلاقی یا دینی محدود می‌شود، مگر آنکه مستقیماً به نقض حقوق دیگران یا تهدید نظم عمومی منجر شود.

در مکتب اسلام نیز به طریق اولی، آزادی مورد احترام است، اما این آزادی به اصول و ارزش‌های دینی و اخلاقی وابسته است. در این نظام آزادی در چارچوب دین و اخلاق تعریف می‌شود. آزادی در اسلام به معنای انتخاب مسئولانه و متعهدانه است، نه آزادی مطلق. این انتخاب باید در چارچوب احکام الهی، عدالت اجتماعی و اخلاق متأثر از آن صورت گیرد. لذا حدود آزادی در اسلام با تفکر لیبرالیستی تفاوت دارد. از سویی آزادی فردی نمی‌تواند ناقض دستورات و حدود الهی باشد، حتی اگر این نقض مستقیماً حقوق دیگران را تحت تأثیر قرار ندهد. و از سوی دیگر اعمال یا رفتارهایی که با اصول اخلاقی اسلام منافات دارند، حتی اگر تأثیری بر نظم عمومی یا حقوق دیگران نداشته باشند، می‌توانند مشمول محدودیت‌های

قانونی شوند.

لذا آزادی در اسلام مقارن مسئولیت است. آزادی به مفهوم مسئولیت‌پذیری انسان در برابر خدا، جامعه، محیط طبیعی پیرامون انسان و خود فرد تعریف می‌شود. این مسئولیت‌پذیری اساس سیاست جنایی اسلامی است که هدف آن تربیت افراد اجتماع در مسیر تعالی و اصلاح و تربیت مجرم و حفظ انسجام اجتماعی است. این تفاوت بنیادین در مفهوم آزادی میان نظام‌های لیبرال و اسلامی به‌طور مستقیم بر سیاست جنایی آنها تأثیر می‌گذارد. در نظام‌های لیبرال، آزادی به‌جز در موارد نقض حقوق دیگران یا نظم عمومی، محدودیتی ندارد. این آزادی وسیع موجب شده است رفتارهایی را که از منظر مکتب اسلامی غیرقابل قبول است، مجاز بداند. در نظام اسلامی، آزادی به‌طور گسترده‌تر به اصول اخلاقی اسلام و ارزش‌های دینی مقید است. در نتیجه، برخی از رفتارها که در لیبرالیسم مجاز شمرده می‌شوند، ممکن است در سیاست جنایی اسلامی جرم‌انگاری شوند.

جمع‌بندی و پیش‌نمایش بخش دوم

در این بخش، سیاست جنایی به‌عنوان مفهومی چندوجهی مورد بررسی قرار گرفت که در نظام‌های حقوقی مختلف بسته به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، رویکردهای متفاوتی اتخاذ می‌کند. در بخش دوم، مبانی و اصول سیاست جنایی اسلامی بررسی خواهد شد که با تکیه بر آموزه‌های دینی، چارچوبی جامع و اخلاق‌محور برای مدیریت ناهنجاری‌ها ارائه می‌دهد. در شماره آینده، به مبانی سیاست جنایی اسلامی شامل تربیت، پیشگیری، و اصلاح پرداخته خواهد شد. همچنین اصولی مانند عدالت، کرامت انسانی و اصلاح مجرمان بررسی می‌شود تا الگویی جامع از سیاست جنایی اسلامی ارائه گردد.



سبقت و تحریر



در این فصل می‌خوانید:

- ۲۸..... هیدروژن سبز، راه حل نجات.....
- ۳۴..... خودروسازی پاشنه‌آشیل!؟(۲).....
- ۳۸..... هوش مصنوعی؛ پلی به سوی آینده‌ای پایدار برای محیط زیست ایران.....

هیدروژن سبز، راه حل نجات

گرمایش زمین زنگ خطری برای سیاره ماست

میلااد اصغری
عضوبنیاده ملی نخبگان

صنایع مختلف، حمل و نقل و ذخیره انرژی در یک سیستم انرژی با انتشار کربن پایین داشته باشد. استفاده از هیدروژن را می توان به طور کلی به سه دسته تقسیم کرد. اول، می تواند به عنوان یک واکنشگر در فرآیندهای هیدروژناسیون برای تولید ترکیبات با وزن مولکولی پایین تر یا برای اشیاع آن ها استفاده شود. در حال حاضر، حدود ۶۵٪ از هیدروژن جهان برای تولید مواد شیمیایی مانند آمونیاک، متانول، هیدروکلریک اسید، هیدروژن پراکسید و بسیاری موارد دیگر استفاده می شود. دوم، حدود ۲۵٪ از هیدروژن جهان به عنوان یک واکنشگر در بسیاری از فرآیندهای صنعتی مانند پالایش نفت، تولید پتروشیمی، هیدروژناسیون روغن و چربی برای تولید چربی های اشباع، کودهای شیمیایی، جوشکاری اتمی و در صنعت الکترونیک استفاده می شود. ۱۰٪ باقی مانده از تأمین هیدروژن جهانی به عنوان عامل حذف اکسیژن، به عنوان سوخت برای موتورهای موشکی، موتورهای احتراق داخلی و به عنوان خنک کننده در تولید برق و بالن های هواشناسی استفاده می شود. به صورت کلی در بحث هیدروژن و مسائل مربوط به آن چهار مورد بررسی می شود:

- ۱) تولید هیدروژن، ۲) انتقال هیدروژن، ۳) ذخیره سازی هیدروژن و ۴) بازار و استفاده های هیدروژن که ادامه به تفصیل می پردازیم.

چالش تغییرات اقلیم و گرمایش زمین، سیستم های انرژی را به سمت فناوری هایی سوق می دهد که کاهش انتشار گازهای گلخانه را امکان پذیر سازد. هیدروژن به عنوان یک راهکار بالقوه در راهبردهای ملی و بین المللی در نظر گرفته می شود و به طور روزافزون در بخش های مختلف از صنعت تا حمل و نقل کاربرد دارد، اما به صورت کلی، پایداری زیست محیطی آن همچنان یک سوال بی پاسخ است. هیدروژن یک سوخت بدون کربن با بیشترین میزان انرژی در واحد جرم است و به عنوان یک حامل انرژی کلیدی در سناریوهای آینده با انتشار کربن پایین در نظر گرفته می شود، بنابراین منجر به سرمایه گذاری بلند مدت در اقتصاد هیدروژن و تقویت آن می شود. هیدروژن یک گاز بی رنگ، بی بو، غیرسمی و با یک شعله آبی تقریباً نامرئی می سوزد، که آن را نسبت به بخارات هوا می کند. هیدروژن یک گاز پرخطر است زیرا محدوده قابل اشتعال و انفجار گسترده ای دارد (۴-۷۴٪ در هوا)، و مقدار کمی انرژی برای احتراق آن کافی است. با استناد به این امر، ایمنی هیدروژن حتی در دماهای پایین چالش های به خصوص خود را دارد. علی رغم چگالی انرژی در واحد جرم بالا، هیدروژن حتی در فرم مایع، در مقایسه با سایر سوخت ها، چگالی انرژی در واحد حجم پایین تری دارد. در صورت استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر و مواد زائد برای تولید، هیدروژن می تواند نقش قابل توجهی در تأمین برق، گرمایش،



تولید هیدروژن

با گسترش روزافزون کاربردهای هیدروژن، تقاضا برای فناوری های تولید هیدروژن در حال افزایش است. فناوری های تولید هیدروژن از نظر وضعیت توسعه، منابع و تجهیزات مورد نیاز و همچنین از نظر میزان انتشار گازهای گلخانه ای متفاوت هستند. مسیرهای تولید متداول هیدروژن اغلب با اصطلاحات رنگی خاکستری، آبی، فیروزه ای و سبز معرفی می شوند. امروزه، حدود ۷۰ میلیون تن در سال هیدروژن خالص در سراسر جهان تولید می شود که اکثریت آن از

منابع فسیلی (۹۸٪) به دست می آید، در حالی که تنها حدود ۲٪ از طریق الکترولیز آب تولید می شود که همچنان یک چالش بزرگ در زمینه بهره برداری از این منبع انرژی به عنوان راهکاری جهت کاهش کربن و کنترل گرمایش زمین است. این روش های تولید مبتنی بر سوخت های فسیلی که منجر به انتشار مقادیر زیادی گازهای گلخانه ای می شود دارای تأثیرات منفی دیگری نیز بر محیط زیست هستند به عنوان هیدروژن خاکستری شناخته می شوند. شکل ۱ به صورت کلی انواع هیدروژن با در نظر گرفتن منبع و روش تولیدی را نشان می دهد.



شکل ۱. تقسیم بندی رنگی هیدروژن با در نظر گرفتن منبع و روش تولیدی [۸].

هیدروژن خاکستری از سوخت های فسیلی نظیر متان و زغال سنگ تولید می شود و طبق توضیحات ارائه شده از نظر اثرات زیست محیطی ناسالم ترین نوع هیدروژن در این رده بندی است. هیدروژن آبی با روش مشابه با هیدروژن خاکستری یعنی با اصلاح بخار یا به عبارت دیگر گازسازی و با استفاده از متان و زغال سنگ تولید می شود. تفاوت اصلی در این رویکرد داشتن یک فرایند گرفتن کربن و جلوگیری از انتشار آن به محیط زیست است. اعمال این سناریو علی رغم استفاده از سوخت های فسیلی به عنوان ماده اولیه فرایند تولید با گرفتن ۸۵٪ تا ۹۵٪ گازهای گلخانه ای از واکنش به عنوان یک روش محیط زیستی تر شناخته می شود و بر هیدروژن خاکستری ارجحیت دارد.

هیدروژن فیروزه ای یک روش برای تولید هیدروژن از طریق فرایندی به نام پیرولیز متان است که کربن جامد تولید می کند. این فرایند به عنوان یک روش تولید هیدروژن با انتشار کم در نظر گرفته می شود، به شرط اینکه فرایند حرارتی با انرژی تجدیدپذیر تغذیه شود و کربن به طور دائم ذخیره یا مصرف شود. هیدروژن فیروزه ای اغلب به عنوان یک روش تولید در نظر گرفته می شود که در طیف رنگی بین هیدروژن آبی (تولید شده

با گاز طبیعی با جذب و ذخیره کربن) و هیدروژن سبز (تولید شده با الکترولیز آب با انرژی تجدیدپذیر مانند باد و خورشید) قرار دارد. در مقایسه با هیدروژن آبی، هیدروژن فیروزه ای اثرات زیست محیطی کمتری دارد؛ چون کربن تولید شده به صورت جامد بوده و جمع آوری، انتقال، ذخیره سازی و استفاده از آن به مراتب راحت تر از کربن به صورت گاز کربن دی اکسید یا گازهای دیگر است.

در نهایت هیدروژن سبز به هیدروژنی گفته می شود که از طریق الکترولیز آب با استفاده از برق تولید شده از منابع انرژی تجدیدپذیر مانند باد، خورشید، زمین گرمایی و انرژی زیست توده^۱ تولید می شود. این روش تولید هیدروژن، کاملاً پاک و بدون انتشار گازهای گلخانه ای است. در فرایند الکترولیز، جریان الکتریکی باعث تجزیه مولکول های آب به هیدروژن و اکسیژن می شود. برق مورد نیاز برای این فرایند می تواند به طور کامل از منابع تجدیدپذیر تأمین شود تا هیدروژن تولید شده سبز و پاک باشد. هیدروژن سبز یک گزینه بسیار جذاب برای آینده سوخت های پاک محسوب می شود، زیرا نه تنها در زمان سوختن آلاینده ای تولید نمی کند، بلکه در مراحل تولید نیز بدون انتشار است.



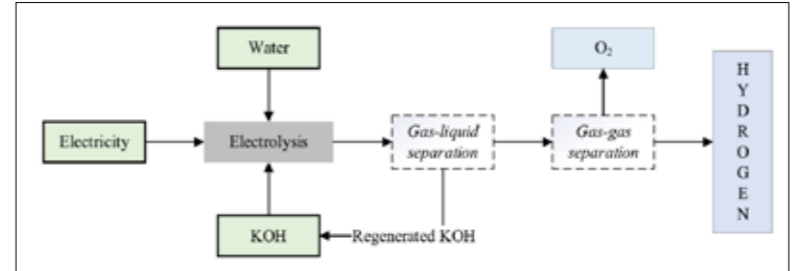
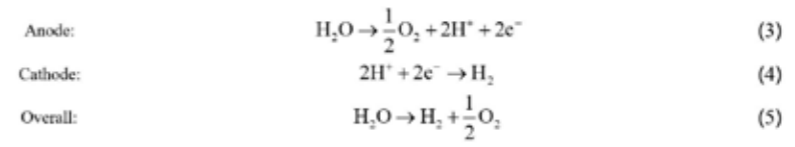
نداک
اتحاد



نداک
اتحاد

جهت کاهش تأثیرات زیست‌محیطی تولید هیدروژن باید این فرایند با ادغام مواد اولیه با میزان کربن پایین و منابع انرژی تجدیدپذیر انجام شود. در کنار تولید هیدروژن از گاز طبیعی از طریق اصلاح بخار^۲، استفاده از مواد اولیه تجدیدپذیر و پسماند دیگر نیز رایج است که می‌تواند از همان فناوری استفاده کنند، که می‌توان به بیوگاز^۳، گلیسرول^۴ و پسماندهای الکلی اشاره کرد. محصولات باقی‌مانده کشاورزی که گاز سنتز را به‌عنوان یک واسط ندارند، می‌توانند از طریق حلقه شیمیایی مبتنی بر آهن و تخمیر تاریک به هیدروژن تبدیل شوند. برای مثال، آلومینیوم می‌تواند در حین اکسیداسیون خود به طور مستقیم هیدروژن تولید کند و آب از طریق الکترولیز. در راستای نیازهای شبکه برق در سال‌های اخیر بهبودهای

مختلفی در فناوری‌ها بوجود آمده است، برای مثال الکترولیز آب با غشاهای الکترولیز نوآورانه و همچنین استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر، بهبود یافته است. این بخش فناوری‌های تولیدکننده هیدروژن را با استفاده از مسیرهای جایگزین بدون محصول واسط گاز سنتز ارائه می‌کند. الکترولیز قلبیابی آب (شکل ۲) یک فناوری نسبتاً پیشرفته تولید هیدروژن است که انرژی موردنیاز برای این فرایند از انرژی‌های تجدیدپذیر مانند باد، خورشید، زمین گرمایی و انرژی هسته‌ای تأمین شده و به‌عنوان یک فناوری پاک شناخته می‌شود. واکنش کلی جایی است که آب تحت تأثیر جریان مستقیم الکتریکی به هیدروژن و اکسیژن تجزیه می‌شود. واکنش‌های آندی، کاتدی و کلی در معادلات (۳) تا (۵) نشان‌دهنده شده است.



شکل ۲. الکترولیز قلبیابی آب برای تولید هیدروژن سبز.

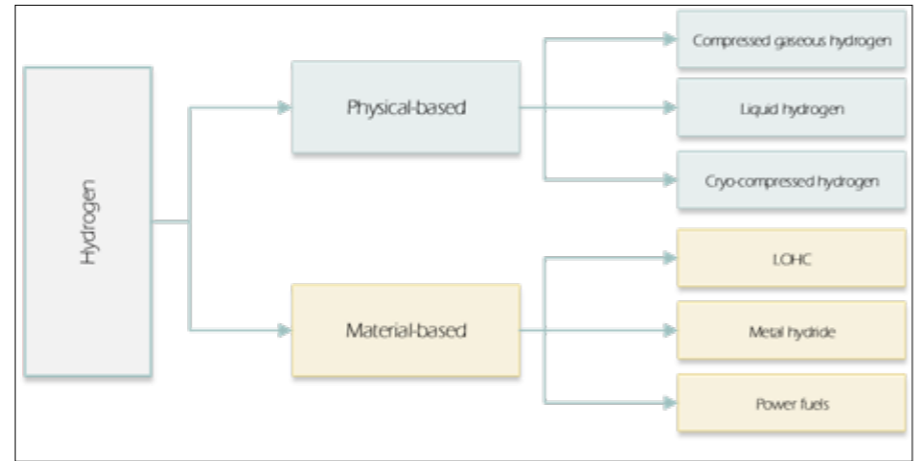
برای عملی کردن فرایند الکترولیز، به برق، آب یونزدایی شده و KOH (که بازیافت می‌شود) نیاز است. هیدروژن، اکسیژن تولید شده KOH سپس به یک جداکننده گاز-مایع فرستاده می‌شوند. در این جداساز، KOH مصرف شده بازسازی شده و دوباره به الکترولیز برگردانده می‌شود. بعد از این مرحله تنها یک مخلوط از هیدروژن و اکسیژن باقی می‌ماند. این گازها با استفاده از یک جداساز گاز-گاز جدا می‌شوند، در انتهای فرایند اکسیژن آزاد می‌شود یا جمع‌آوری و هیدروژن خالص به دست می‌آید.

انتقال و ذخیره‌سازی هیدروژن

انتقال و ذخیره‌سازی هیدروژن دو مرحله حیاتی هستند که می‌توانند ردپای کلی تولید هیدروژن را به طور قابل توجهی افزایش دهند. ذخیره‌سازی، حمل‌ونقل و توزیع هیدروژن از چالش‌های کلیدی برای استفاده از هیدروژن به‌عنوان یک حامل انرژی هستند، زیرا هیدروژن در دمای اتاق انرژی

گازی فشرده،^۵ (CGH₂) و بعضاً با کاهش دما به کمتر از دمای میعان (ذخیره‌سازی هیدروژن مایع، LH₂)^۶ و یا استفاده از هر دو روش (ذخیره‌سازی هیدروژن فشرده کریوژنیک، CCH₂)^۷. در مورد ذخیره‌سازی شیمیایی، یک ماده اضافی به‌عنوان حامل استفاده می‌شود. این مواد می‌توانند با مولکول‌ها یا اتم‌های هیدروژن، به‌صورت فیزیکی یا شیمیایی

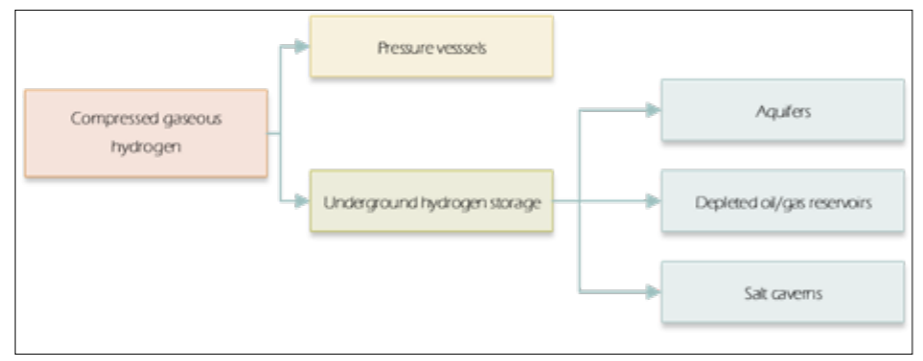
پیوند برقرار کنند و بنابراین چگالی و ایمنی ذخیره‌سازی را در مقایسه با سیستم‌های ذخیره‌سازی فیزیکی افزایش می‌دهند. با این حال، اکثر فناوری‌های ذخیره‌سازی شیمیایی هنوز در مراحل آزمایشگاهی قرار دارند. یک نمای کلی از روش‌های ذخیره‌سازی هیدروژن در شکل ۳ و ۴ آورده شده است.



شکل ۳. انواع روش‌های ذخیره‌سازی هیدروژن.

ساده‌ترین روش ذخیره‌سازی هیدروژن، فشرده‌سازی و استفاده از مخازن تحت‌فشار است. چهار نوع مخزن شامل فولادی (ارزان ولی سنگین)، آلومینیومی (سبک‌تر ولی گران‌تر)، کامپوزیتی (سبک و مقاوم به نشت)، و پلیمری (کمترین نشت اما محدودیت فشار بالا) وجود دارد که بر اساس کاربرد و هزینه انتخاب می‌شوند. ذخیره‌سازی زیرزمینی هیدروژن (UHS) برای ذخیره میان‌مدت و بلندمدت مناسب است. مغارهای نمکی به دلیل مقاومت مکانیکی، خاصیت

ناتراوایی، و سرکوب فعالیت‌های میکروبی، گزینه‌ای ایده‌آل هستند، اما حجم کوچکی دارند و به‌راحتی در دسترس نیستند. مخازن نفت و گاز تخلیه‌شده ظرفیت بیشتری دارند و اطلاعات زمین‌شناسی دقیقی از آنها وجود دارد، اما ممکن است خلوص هیدروژن کاهش یابد. سفره‌های آب زیرزمینی نیز به دلیل حجم بالا و دسترسی آسان گزینه‌ای مناسب هستند، اما مشکلاتی نظیر نشت، واکنش‌های میکروبی، و واکنش با مواد معدنی وجود دارد.



شکل ۴. انواع روش‌های ذخیره‌سازی هیدروژن به‌صورت گاز فشرده.

- ۵. Compressed gaseous hydrogen storage
- ۶. Liquid hydrogen storage
- ۷. Cryo-compressed hydrogen storage

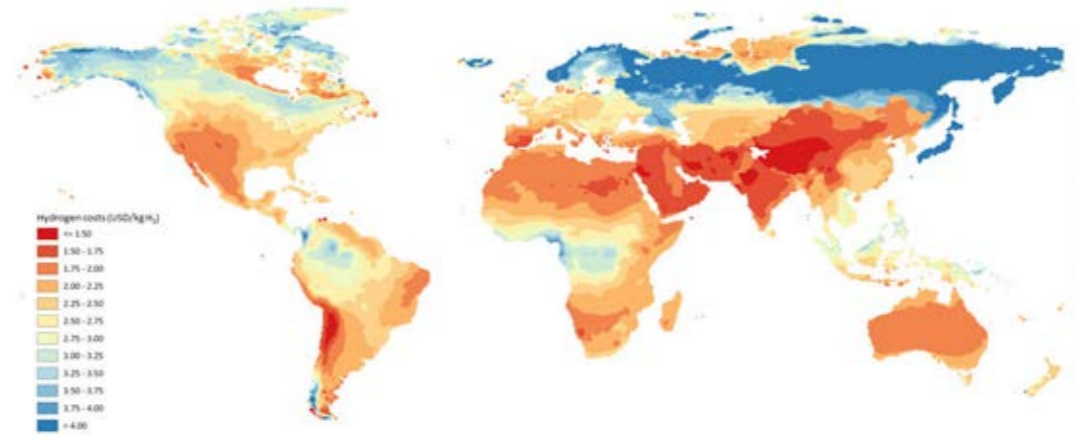
- ۲. Steam reforming
- ۳. Biogas
- ۴. Glycerol

۳-۲) انتقال هیدروژن

روش‌های توزیع هیدروژن شامل حمل جاده‌ای، خطوط لوله، و حمل دریایی است. در حمل جاده‌ای، هیدروژن به صورت گاز فشرده یا مایع با کامیون/تریلر منتقل می‌شود که نیازمند تجهیزات پیشرفته برای ایمنی است. خطوط لوله، با هزینه سرمایه‌گذاری بالا، گزینه‌ای اقتصادی برای انتقال مقادیر زیاد هیدروژن به مصرف‌کنندگان صنعتی بزرگ است. حمل دریایی برای انتقال بین‌قاره‌ای مقادیر زیاد هیدروژن، به صورت عنصری یا ترکیبی، مناسب است. انتخاب روش انتقال بر اساس حساسیت، هزینه، حجم و شرایط محلی صورت می‌گیرد.

استفاده از هیدروژن

هیدروژن باتوجه به توضیحات ارائه شده می‌تواند تولید، ذخیره‌سازی و انتقال یابد تا به دست مصرف‌کننده اصلی برسد که مصرف‌کننده می‌تواند در حوزه الکتریسیته، پالایش و پتروشیمی، صنعت خوراکی، صنایع رنگ، تولید آلیاژهای فلزی و... باشد. شکل ۵ هزینه تولید هر کیلوگرم هیدروژن به صورت الکترولیز آب برای نواحی مختلف جهان را نشان می‌دهد. واضح است که ایران و کشورهای خاورمیانه امکان تولید ارزان هیدروژن را نسبت به بقیه نواحی دارند.



شکل ۵. مقایسه هزینه تولید یک کیلوگرم هیدروژن به روش الکترولیز آب برای نواحی مختلف جهان.

هیدروژن به‌عنوان منبع انرژی پاک و چندمنظوره، نقش کلیدی در صنایع مختلف و کاربردهای محلی ایفا می‌کند. در صنعت پالایش نفت، هیدروژن در دو فرایند حیاتی استفاده می‌شود: (۱) شکستن هیدروکربن‌های بزرگ، که در آن مولکول‌های سنگین هیدروکربنی به مولکول‌های سبک‌تر و ارزشمندتری مانند بنزین و گازوئیل تبدیل می‌شوند و کیفیت فرآورده‌های نفتی افزایش می‌یابد؛ (۲) گوگردزدایی، که ترکیبات گوگردی از نفت خام و فرآورده‌های آن حذف می‌شوند. این فرایند به کاهش انتشار دی‌اکسید گوگرد و بهبود کیفیت محیط‌زیست کمک می‌کند. در صنایع شیمیایی، هیدروژن در تولید آمونیاک از طریق فرایند هابر-بوش اهمیت استراتژیکی دارد. آمونیاک به‌عنوان ماده اولیه کودهای شیمیایی مانند اوره و نیترات آمونیوم، نقش کلیدی در امنیت غذایی جهان ایفا می‌کند. همچنین، در تولید متانول، هیدروژن با کربن‌مونواکسید واکنش داده و متانول تولید می‌کند که به‌عنوان حلال، ضدیخ، و ماده اولیه در تولید رزین‌ها و پلاستیک‌ها کاربرد دارد. یکی از کاربردهای جدید هیدروژن در صنعت فولاد

است، جایی که به‌عنوان جایگزین عوامل احیاکننده مبتنی بر کربن، انتشار کربن‌دی‌اکسید را کاهش می‌دهد. این تحول می‌تواند به کاهش ردپای کربن در یکی از صنایع بزرگ آلاینده کمک کند. در صنعت نیمه‌رساناها، هیدروژن به‌عنوان گاز انتقال‌دهنده و در فرایندهایی مانند رسوب‌گذاری شیمیایی و حکاکی پلازما به کار می‌رود. نقش آن در انتقال مواد، تولید لایه‌های نازک، و ایجاد الگوهای دقیق در قطعات الکترونیکی بسیار حیاتی است. در تولید شیشه، هیدروژن محیطی محافظ ایجاد می‌کند که از اکسیداسیون شیشه مذاب در دمای بالا جلوگیری می‌کند. این ویژگی به افزایش کیفیت شفافیت، رنگ و سایر خواص شیشه کمک می‌کند. در فرآوری مواد غذایی، هیدروژن‌ناسیون روغن‌های گیاهی برای تولید چربی‌های جامد و نیمه‌جامد مانند مارگارین و کره گیاهی به‌کار می‌رود که موجب بهبود ماندگاری و طعم محصولات غذایی می‌شود. هیدروژن در بخش انرژی نیز به‌سرعت در حال گسترش است. خودروهای پیل سوختی هیدروژنی (FCV) از هیدروژن برای تولید برق استفاده می‌کنند و تنها بخار آب به‌عنوان محصول

جانبی منتشر می‌کنند. این فناوری در خودروهای شخصی، اتوبوس‌ها، کامیون‌ها و قطارها در حال گسترش است. برای مصارف خانگی، هیدروژن با گاز طبیعی مخلوط شده یا به‌صورت خالص برای گرمایش و پخت‌وپز استفاده می‌شود. سلول‌های سوختی هیدروژنی برای تولید برق قابل حمل در تجهیزات کمپینگ، دستگاه‌های الکترونیکی و واحدهای برق اضطراری به‌کار می‌روند. همچنین، در انبارها و مراکز توزیع، لیفتراک‌ها و تجهیزات

جابه‌جایی مواد از این فناوری به دلیل زمان سوخت‌گیری سریع و دوره عملکرد طولانی استفاده می‌کنند. در نهایت، شبکه‌های انرژی محلی از هیدروژن برای ذخیره انرژی تجدیدپذیر استفاده می‌کنند. انرژی مازاد می‌تواند به هیدروژن تبدیل و ذخیره شده و در زمان‌های اوج تقاضا یا عدم تولید انرژی تجدیدپذیر مصرف شود. این کاربردها جایگاه هیدروژن را به‌عنوان یک راهکار کلیدی در کاهش آلاینده‌گی و ارتقای پایداری انرژی تثبیت می‌کند.

Liu, "Use of heavy fraction of bio-oil as fuel for hydrogen production in iron-based chemical looping process," *Int. J. Hydrogen Energy*, vol. 39, no. 35, pp. 19955-19969, Dec. 2014, doi: 10.1016/j.ijhydene.2014.08.122.

[10] R. Hren, A. Vujanovic, Y. Van Fan, J. J. Klemes, D. Krajnc, and L. Cucek, "Hydrogen production, storage and transport for renewable energy and chemicals: An environmental footprint assessment," *Renew. Sustain. Energy Rev.*, vol. 173, no. October 2022, p. 113113, Mar. 2023, doi: 10.1016/j.rser.2022.113113.

[11] J. Michalski et al., "Hydrogen generation by electrolysis and storage in salt caverns: Potentials, economics and systems aspects with regard to the German energy transition," *Int. J. Hydrogen Energy*, vol. 42, no. 19, pp. 13427-13443, May 2017, doi: 10.1016/j.ijhydene.2017.02.102.

[12] Y. Khojasteh Salkuyeh, B. A. Saville, and H. L. MacLean, "Techno-economic analysis and life cycle assessment of hydrogen production from natural gas using current and emerging technologies," *Int. J. Hydrogen Energy*, vol. 42, no. 30, pp. 18894-18909, Jul. 2017, doi: 10.1016/j.ijhydene.2017.05.219.

[13] M. Pini et al., "Life cycle assessment of an innovative cogeneration system based on the aluminum combustion with water," *Renew. Energy*, vol. 154, pp. 532-541, Jul. 2020, doi: 10.1016/j.renene.2020.03.046.

[14] R. Ortiz-Cebolla, F. Dolci, and E. Weidnet, "Assessment of Hydrogen Delivery Options," *Eur. Comm. Sci. Hub*, pp. 4, JCR124206, 2021, [Online]. Available: https://ec.europa.eu/jrc/sites/default/files/jrc124206_assessment_of_hydrogen_delivery_options.pdf

منابع

[1] M. Noussan, P. P. Raimondi, R. Scita, and M. Hafner, "The Role of Green and Blue Hydrogen in the Energy Transition—A Technological and Geopolitical Perspective," *Sustainability*, vol. 13, no. 1, p. 298, Dec. 2020, doi: 10.3390/su13010298.

[2] A. Valente, D. Iribarren, and J. Dufour, "Harmonised life-cycle global warming impact of renewable hydrogen," *J. Clean. Prod.*, vol. 149, pp. 762-772, Apr. 2017, doi: 10.1016/j.jclepro.2017.02.163.

[3] S. W. Park, J. H. Kim, and J. K. Seo, "Explosion Characteristics of Hydrogen Gas in Varying Ship Ventilation Tunnel Geometries: An Experimental Study," *J. Mar. Sci. Eng.*, vol. 10, no. 4, p. 532, Apr. 2022, doi: 10.3390/jmse10040532.

[4] I. Staffell et al., "The role of hydrogen and fuel cells in the global energy system," *Energy Environ. Sci.*, vol. 12, no. 2, pp. 463-491, 2019, doi: 10.1039/C8EE01157E.

[5] M. P. Society, "Hydrogen: An Overview," pp. 3900-3903, 2007.

[6] M. Ozcanli, O. Bas, M. A. Akar, S. Yildizhan, and H. Serin, "Recent studies on hydrogen usage in Wankel SI engine," *Int. J. Hydrogen Energy*, vol. 43, no. 38, pp. 18037-18045, Sep. 2018, doi: 10.1016/j.ijhydene.2018.01.202.

[7] M. Hermesmann and T. E. Müller, "Green, Turquoise, Blue, or Grey? Environmentally friendly Hydrogen Production in Transforming Energy Systems," *Prog. Energy Combust. Sci.*, vol. 90, p. 100996, May 2022, doi: 10.1016/j.peccs.2022.100996.

[8] <https://www.irena.org/>, "International Renewable Energy Agency," 2023.

[9] R. Xiao, S. Zhang, S. Peng, D. Shen, and K.



خودروسازی پاشنه آشیل؟!

بخش دوم: بازار جهانی خودرو برقی و گرایش آن

۱. مطالعه بازار جهانی خودرو برقی و ترند های آن

صنعت خودرو، همانطور که پیتر دراگر به آن لقب "صنعت صنعت‌ها" را داده است، مرکب است از دانش، علم و فن که با خلاقیت و ابداع و هنر در هم آمیخته است. صنعت خودرو به لحاظ ارتباط نزدیک با زندگی روزمره مردم و حجم بالای سرمایه، اشتغال و گردش مالی زیاد، مورد علاقه و رقابت کشورها، شرکت‌ها و سرمایه‌های بزرگ است. سرمایه‌گذاری‌ها و پژوهش‌هایی که در این صنعت انجام می‌شود نه تنها صنایع وابسته به خود بلکه سایر بخش‌های اقتصادی صنعتی را به حرکت در می‌آورد. خودرو از جمله محصولات است که از تعداد نسبتاً زیاد مجموعه‌های میانی، قطعات و مواد اولیه تشکیل می‌شود. در نتیجه صنایع مرتبط با ساخت این اجزاء طیف بسیار گسترده‌ای (از جمله صنایع فلزی، نساجی، مواد شیمیایی و رنگ، برق و الکترونیک و...) را در بر می‌گیرد. یک خودرو مجموعه‌ای از هزاران قطعه کوچک و بزرگ است که تولید هر یک از آنها نیاز به دانش فنی مهارت و سخت‌افزار

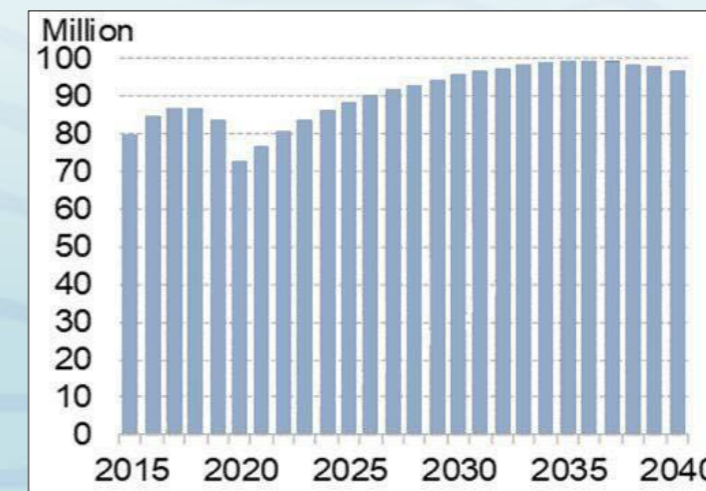
پوریا نکونام

پژوهشگر صنعت خودرو

لازم خود را دارد. جمع‌آوری و مونتاژ این قطعات در زمان لازم با قیمت و کمیت مناسب هنر بزرگی است که علاوه بر نیاز به دانش فنی و توان مدیریتی به یک برنامه بلند مدت و تعیین استراتژی مناسب نیاز دارد. صنعت خودرو در دنیا یک صنعت مونتاژ است که کارخانه خودروساز اکثر قطعات مورد نیاز خود را خریداری و محصول نهایی را در کارخانه مونتاژ می‌نماید. هرچه قطعات خودرو بیشتر و میزان نفر/ساعت لازم برای مونتاژ بیشتر باشد (مانند خودروهای سنگین) ارزش افزوده بیشتری به بار می‌آورد.

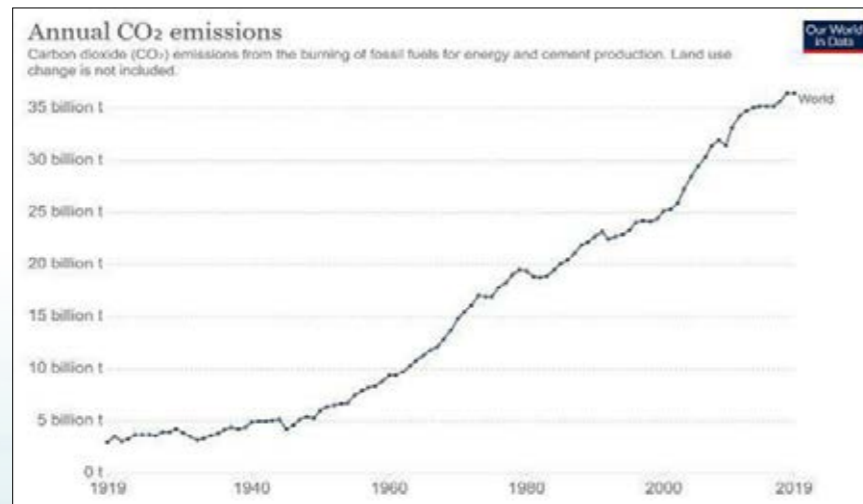
۱.۱. بازار خودرو و ترند آن

به تناسب افزایش جمعیت جهان و همچنین رشد و بهبود اقتصادی در سال‌های اخیر به ویژه در کشورهای در حال توسعه و به‌روز قدرت‌های اقتصادی جدید و تلاش خودروسازان برتر جهان در ارائه خودروهای مقرون به صرفه، روند افزایشی تقاضا خودرو در سال‌های اخیر قابل مشاهده است و پیش‌بینی می‌شود این روند در دهه‌های آینده نیز ادامه داشته باشد.



پیرو پاندمیک کووید-۱۹ در شروع سال ۲۰۱۹ در آسیای شرقی و اروپا و پیرو آن در سراسر جهان و اعمال محدودیت‌های شهروندی و مشاغل در اقصاء نقاط جهان، میزان فروش و تولید خودرو در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به ترتیب با ۳/۵٪ و ۱۳٪ کاهش مواجه شد. مطالعات صنعت و بازار خودرو نشان می‌دهد که روند صعودی تقاضا و فروش خودرو مجدداً از سر گرفته خواهد شد و پیش‌بینی می‌شود این افزایش در میزان فروش به مقدار ۱۰۰ میلیون خودرو در سال ۲۰۳۵ برسد [۲].

۱.۱. تغییرات اقلیمی کره زمین و تصمیمات و اقدامات جهانی مؤثر بر صنعت خودرو
 با صنعتی شدن کشورها پس از انقلاب‌های صنعتی اول تا سوم و افزایش تقاضای کشورهای صنعتی به منابع انرژی فسیلی، روند تولید گازهای گلخانه‌ای و به طور خاص گاز CO₂ افزایش چشم‌گیری پیدا کرد. به طوری که میزان انتشار گاز CO₂ در سال ۲۰۱۹ نسبت به ۱۰۰ سال گذشته ۹ برابر شده است.

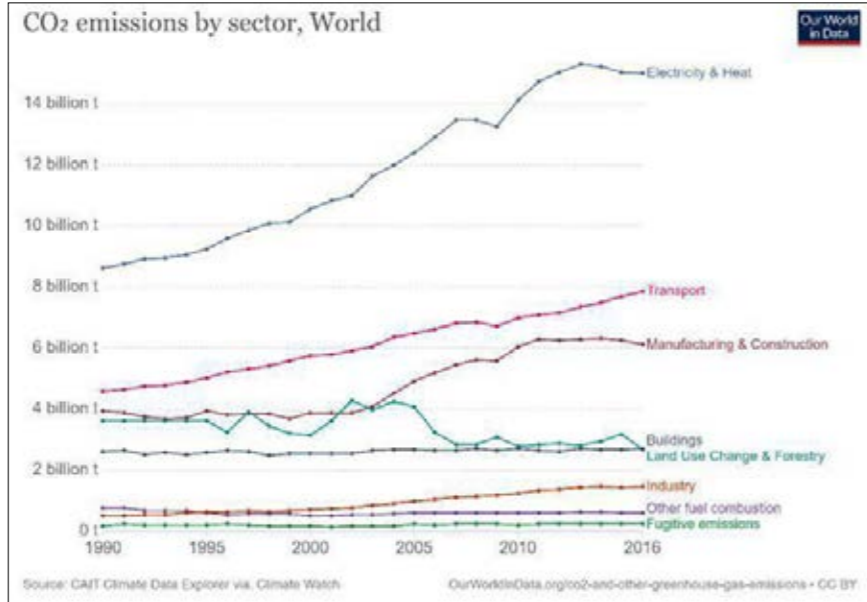


تصویر ۲: میزان انتشار سالانه گاز CO₂ در جهان [۲]

- متوسط افزایش دمای جهانی در سطح ۲ درجه سانتی‌گراد نگه داشته شود.
- افزایش دمای جهانی به ۱/۵ درجه سانتی‌گراد محدود شود.
- حفظ و افزایش نواحی جنگلی به منظر جذب گازهای گلخانه‌ای اتمسفر
- هم‌راستایی و سازگاری سرمایه‌گذاری‌ها با اهداف معاهده پاریس
- افزایش توانمندی در تطابق با تغییرات آب و هوایی
- ارزیابی‌های سالانه کمیسیون‌های سازمان ملل و مؤسسات انرژی و مالی از اقدامات جبرانی کشورها در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و پیش‌بینی آن‌ها از میزان تحقق اهداف معاهده پاریس نشان می‌دهد که شرایط احتمالی متفاوتی پیش‌روی وضعیت اقلیمی جهان خواهد بود. بر این اساس سناریوهای متعددی که توصیف‌کننده آینده‌های احتمالی میزان انتشار گاز CO₂ است، توسعه یافته است که در شکل ۳-۱ نمایش داده شده است.

نتایج مطالعات دهه‌های اخیر بر روی اثر انتشار گازهای گلخانه‌ای بر روی تغییرات اقلیمی کره زمین، توجه دانشمندان و حکمرانان را به خود جلب کرده است. از نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که دمای سطح کره زمین در یک سناریو بدبینانه می‌تواند به میزان ۴/۵ درجه سانتی‌گراد افزایش پیدا کند [۴]. از پیامدهای افزایش دما می‌توان به ذوب شدن یخ‌های قطب شمال، افزایش سطح آب‌های آزاد و به زیر آب رفتن برخی جزیره‌ها و سواحل، آتش‌سوزی جنگل‌ها و مراتع، نابودی حیات وحش، قحطی آب و مواد غذایی اشاره کرد. همه این پیامدها به همراه مواردی دیگر حکمرانان را بر آن داشت تا با اتخاذ اقدامات جبرانی با این پیامدها مقابله کنند. در این راستا در سال ۲۰۱۵ نمایندگان کشورهای جهان در کنفرانس پاریس گرد هم آمدند و ذیل معاهده پاریس متعهد شدند که اقدامات جبرانی در راستای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای صورت دهند. طی این معاهده ۵ هدف کلان برای اقدامات جبرانی کشورهای صنعتی در نظر گرفته شد [۵].

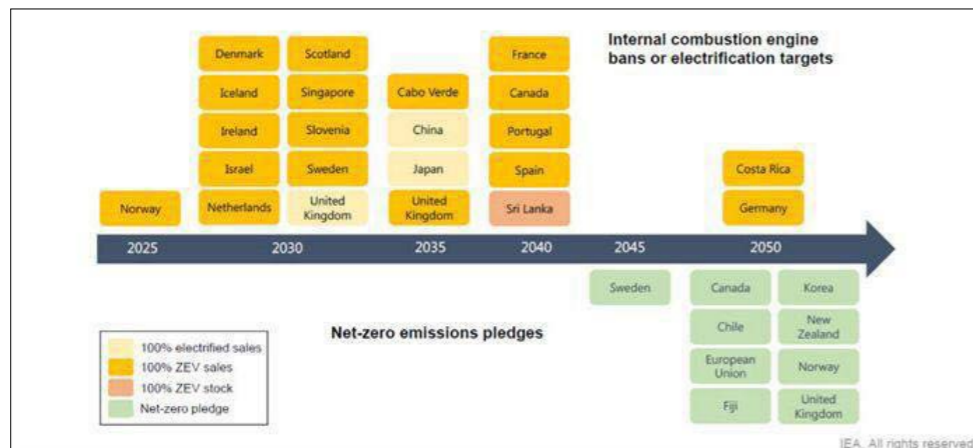




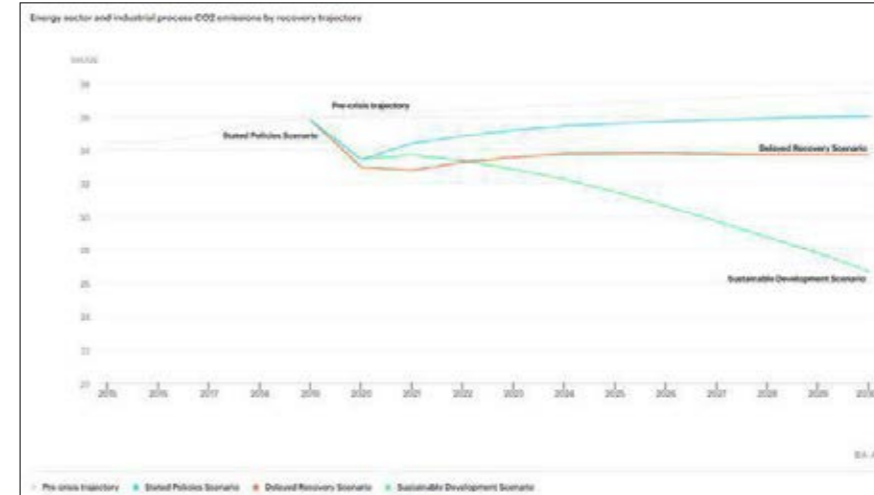
تصویر ۴: میزان انتشار سالانه گاز CO₂ در جهان بر حسب بخش‌های مختلف [۸]

نقل فراهم گردیده است. شکل ۱-۵ نشان دهنده اهداف کشور های اروپایی و آسیای شرقی در حمایت از توسعه بازار خودرو های برقی و ممنوعیت فروش خودرو های احتراق داخلی در بخش حمل و نقل می باشد. همان طور که در شکل مشاهده می شود کشور های نامبرده در تلاش هستند که تا سال ۲۰۴۰ میلادی ۱۰۰٪ فروش محصولات جدید از نوع خودرو های بدون آلاینده باشد؛ و متعهد شده اند تا سال ۲۰۵۰ میلادی خالص انتشار آلاینده را به صفر برسانند. به عبارتی تنها خودرو های برقی در ناوگان حمل و نقل جاده ای سهم داشته باشند و خودرو های احتراقی از جاده ها حذف شوند.

سهم ۲۳ درصدی صنعت حمل و نقل در انتشار گاز CO₂ نشان از اهمیت بهینه سازی و یا تغییر پارادایم مصرف سوخت در صنعت حمل و نقل می باشد. نکته ای که لازم به ذکر است سهم ۷۳ درصدی حمل و نقل جاده ای از انتشار گاز CO₂ در بخش حمل و نقل است. به همین دلیل در کشور های توسعه یافته و کشور های در حال توسعه از ابزار قوانین و استاندارد های سخت گیرانه به منظور تحقق اهداف کاهش انتشار گاز های گلخانه ای با منشاء حمل و نقل بهره می برند. همچنین با توسعه تکنولوژی های وسایل نقلیه برقی و کاهش قیمت آن ها، بستر مناسب برای حمایت دولت ها از تغییر پارادایم مصرف سوخت از سوخت فسیلی به برقی در بخش حمل و



شکل ۱-۵. اهداف کشور ها در برقی سازی خودرو ها یا ممنوعیت خودرو های احتراق داخلی در راستای کاهش انتشار گاز CO₂ بخش حمل و نقل [۲]



تصویر ۳: پیش بینی میزان انتشار گاز CO₂ تا سال ۲۰۳۰ بر اساس سناریوهای مختلف توسط آژانس بین المللی انرژی

بسیار کند و ناقص بوده و در این زمان محدود نیازمند تغییرات بزرگ و وسیعی در هدف گذاری، سیاست گذاری و اقدامات کشور ها می باشد.

کشور ایران نیز با پیوستن به معاهده پاریس به صورت داوطلبانه در راستای همکاری در بهبود اقلیم کره زمین به اهداف کاهش انتشار گاز CO₂ متعهد شده است [۷].

- کاهش ۴٪ میزان انتشار گاز های گلخانه ای تا سال ۲۰۳۰ به طور قطعی
- کاهش ۸٪ میزان انتشار گاز های گلخانه ای تا سال ۲۰۳۰ به صورت مشروط

۱.۱.۱. سهم صنعت حمل و نقل در انتشار گاز CO₂

صنعت حمل و نقل جهان شامل بخش های حمل و نقل هوایی، دریایی، جاده ای و ریلی به دلیل مصرف بالای سوخت های فسیلی سهم مهمی در انتشار گاز های گلخانه ای پویزه گاز CO₂ دارد. آمارهای جهانی از بخش های مختلف اقتصادی نشان می دهد بعد از بخش تولید انرژی (برق و حرارتی)، بخش حمل و نقل بیشترین سهم انتشار سالانه گاز CO₂ در جهان را دارا است. شکل ۱-۴ نشان می دهد در سال ۲۰۱۶ از ۳۵ میلیارد تن گاز CO₂ منتشر شده در جو زمین سهم بخش های تولید انرژی و حمل و نقل به ترتیب حدود ۱۵ و ۸ میلیارد تن بوده است که معادل ۴۳٪ و ۲۳٪ کل انتشار گاز CO₂ است.

با امضاء معاهده پاریس در سال ۲۰۱۷، کشورها در راستای اهداف کاهش میزان انتشار گاز CO₂ به صورت داوطلبانه اهدافی را برای خود در نظر گرفتند. این اهداف به مشارکت های تعیین شده ملت ها (۱) نامیده می شود. با تجمیع این اهداف و بررسی اقدامات کشورها، سناریو سیاست های اعلام شده (۲) معرفی گردید.

با مطالعه و بررسی این سناریو پیش بینی می شود که نه تنها تا سال ۲۰۷۰ خالص میزان انتشار گاز CO₂ به صفر نمی رسد، بلکه فقط شدت رشد انتشار سالانه گاز CO₂ کاسته می شود و این شاخص به روند رو به رشد خود ادامه خواهد داد (شکل ۱-۳).

مطالعات بر روی میزان کاهش انتشار گاز CO₂ به منظور تحقق اهداف معاهده پاریس منجر به معرفی سناریو توسعه پایدار (۳) گردید؛ طی این سناریو خالص میزان انتشار گاز CO₂ در سال ۲۰۷۰ میبایست به صفر متمایل گردد [۶]. سناریو توسعه پایدار شامل اقدامات سخت گیرانه ای می شود که کشور های با بیشترین میزان انتشار گاز CO₂ را متعهد به انجام اقداماتی کند که تا هدف محدود کردن متوسط افزایش دمای سطح کره زمین به ۲ درجه سانتی گراد محقق شود. ارزیابی ها از میزان حرکت کشور ها در راستای اقدامات سناریو توسعه پایدار در سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ میلادی نشان می دهد که این حرکت



هوش مصنوعی؛ پلی به سوی آینده‌ای پایدار برای محیط زیست ایران

مجتبی زارع صفت

دانشجوی دکتری علوم محیط زیست
درمؤسسه کوپرنیکوس دانشگاه اوترخت



هوش مصنوعی به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین فناوری‌های عصر حاضر، نقش مهمی در شکل‌دهی آینده‌ای پایدار برای محیط زیست ایران دارد. این فناوری با ارائه راه‌حل‌های نوآورانه، می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی و حفاظت از منابع طبیعی کمک شایانی کند. در کشوری مانند ایران که دارای تنوع اقلیمی و زیستی گسترده‌ای است، بهره‌گیری هوشمندانه از هوش مصنوعی می‌تواند بسیاری از چالش‌های محیط زیستی را مرتفع سازد.

استفاده از هوش مصنوعی در حوزه محیط زیست در ایران، همگام با بسیاری از کشورهای پیشرو، آغاز شده و پروژه‌های متعددی در این زمینه در حال اجرا هستند. با این حال، به دلیل توسعه سریع مدل‌ها و الگوریتم‌های هوش مصنوعی، ضرورت دارد که این مدل‌ها با در نظر گرفتن شرایط خاص محیط زیستی ایران توسعه یافته و آموزش داده شوند تا نتایج بهتری حاصل شود.

تغییرات آب و هوایی و وقوع پدیده‌هایی مانند سیل، خشکسالی و طوفان‌های گردوغبار، اهمیت پیش‌بینی دقیق آب و هوا را دوچندان کرده است. هوش مصنوعی با تحلیل حجم عظیمی از داده‌های هواشناسی، امکان پیش‌بینی‌های دقیق‌تر و زمان‌بندی بهتری را فراهم می‌کند. این پیش‌بینی‌ها به کشاورزان در استان‌های مختلف کمک می‌کند تا برنامه‌ریزی مناسبی برای کاشت و برداشت محصولات داشته باشند و از خسارات ناشی از بلایای طبیعی جلوگیری کنند.

آلودگی هوا در شهرهای بزرگ ایران یکی از معضلات جدی

است که سلامت عمومی را تهدید می‌کند. توسعه و استفاده از خودروهای برقی و خودران مجهز به هوش مصنوعی می‌تواند گامی مؤثر در کاهش آلودگی هوا باشد. پروژه‌هایی مانند خودروی برقی "یوز" که توسط دانشگاه آزاد قزوین طراحی شده، نشان‌دهنده تلاش‌های داخلی در این زمینه است. این خودروها با بهینه‌سازی مصرف انرژی و استفاده از سیستم‌های هوشمند، رانندگی ایمن‌تر و سازگارتری با محیط زیست ارائه می‌دهند. هوش مصنوعی در نظارت و کنترل آلودگی هوا نیز نقش مهمی دارد. با تحلیل داده‌های حسگرهای کیفیت هوا، می‌توان منابع آلودگی را شناسایی و پیش‌بینی‌های دقیقی ارائه داد. در تهران، سیستم‌هایی در حال توسعه هستند که با استفاده از هوش مصنوعی، مناطق با آلودگی بالا را شناسایی کرده و اطلاعات لازم را برای تصمیم‌گیری‌های مدیریتی فراهم می‌کنند. همچنین با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران، بلایای طبیعی مانند زلزله، سیل و آتش‌سوزی‌های جنگلی همواره تهدیدی جدی محسوب می‌شوند. هوش مصنوعی با تحلیل داده‌های تاریخی و جاری، در پیش‌بینی و مدیریت این بلایا نقش حیاتی ایفا می‌کند. پروژه‌های اجرا شده در استان گلستان برای پیش‌بینی سیلاب‌ها، به سازمان‌های امدادی کمک کرده تا اقدامات لازم را قبل از وقوع حادثه انجام دهند. مدیریت منابع آب با استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند به بهبود وضعیت منابع آبی کشور کمک کند. در حوضه آبریز دریاچه ارومیه، پروژه‌ای برای احیای این دریاچه با استفاده از تحلیل داده‌های هیدرولوژیکی و مصرف آب در حال

اجراست که نتایج مثبتی به همراه داشته است. همچنین کمبود منابع آبی و تغییرات اقلیمی، نیاز به راهکارهای نوین در بخش کشاورزی را ضروری کرده است. هوش مصنوعی با تحلیل داده‌های محیطی و استفاده از حسگرهای خاک و گیاه، می‌تواند مصرف آب را به طور قابل توجهی کاهش دهد. در استان سیستان و بلوچستان، اجرای سیستم‌های آبیاری هوشمند منجر به صرفه‌جویی چشمگیری در مصرف آب شده و بهره‌وری کشاورزی را افزایش داده است. همچنین، پهپادهای مجهز به هوش مصنوعی به کشاورزان امکان مانیتورینگ سلامت گیاهان و اقدام به موقع در برابر آفات را می‌دهند.

تخریب جنگل‌ها و مراتع به دلیل فعالیت‌های انسانی، تهدیدی برای تنوع زیستی و تعادل اکوسیستم‌هاست. هوش مصنوعی با تحلیل تصاویر ماهواره‌ای و داده‌های سنجش از دور، می‌تواند تغییرات در پوشش گیاهی را به صورت دقیق شناسایی کند. پروژه "پایش جنگل‌های زاگرس" نمونه‌ای از کاربرد هوش مصنوعی در شناسایی به‌موقع آتش‌سوزی‌ها و جلوگیری از گسترش آن‌هاست که به حفاظت از منابع طبیعی کمک می‌کند.

مصرف انرژی در ساختمان‌ها سهم قابل توجهی از مصرف کل انرژی را تشکیل می‌دهد. سیستم‌های مدیریت انرژی هوشمند مبتنی بر هوش مصنوعی، مصرف انرژی را در ساختمان‌های مسکونی و تجاری بهینه می‌کنند. در تهران، برخی مجتمع‌های مسکونی از این سیستم‌ها استفاده می‌کنند که منجر به کاهش هزینه‌ها و صرفه‌جویی در مصرف انرژی شده است. علاوه بر

این با گسترش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران، هوش مصنوعی می‌تواند با بهینه‌سازی تولید و توزیع این انرژی‌ها، کارایی آن‌ها را افزایش دهد. نیروگاه‌های خورشیدی در استان کرمان با استفاده از سیستم‌های هوشمند، حداکثر بهره‌وری را از تابش خورشید به دست می‌آورند. مدیریت پسماند و زباله‌های شهری از دیگر چالش‌های محیط زیستی در ایران است. استفاده از ربات‌های مجهز به هوش مصنوعی در جمع‌آوری و تفکیک زباله‌ها می‌تواند به افزایش کارایی و بهبود بهداشت شهری منجر شود. در شهر اصفهان، ربات‌های هوشمند با استفاده از بینایی ماشین، انواع مختلف زباله‌ها را شناسایی و تفکیک می‌کنند، که این امر فرآیند بازیافت را تسریع می‌بخشد.

حفاظت از گونه‌های نادر و در خطر انقراض یکی دیگر از حوزه‌هایی است که هوش مصنوعی در آن نقش دارد. در پارک ملی توران، از دوربین‌های تله‌ای مجهز به هوش مصنوعی برای رصد جمعیت یوزپلنگ آسیایی استفاده می‌شود. این اطلاعات به محققان کمک می‌کند تا برنامه‌های حفاظتی مؤثرتری را اجرا کنند. جلوگیری از تصادفات جاده‌ای با حیوانات وحشی نه تنها به حفظ حیات وحش کمک می‌کند، بلکه ایمنی رانندگان را نیز افزایش می‌دهد. در جاده‌های کوهستانی استان مازندران، سیستم‌های هشداردهنده مجهز به هوش مصنوعی نصب شده که حضور حیوانات را تشخیص داده و به رانندگان اطلاع می‌دهند. بهبود سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی با استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند به کاهش ترافیک و آلودگی هوا کمک کند. در تهران، سامانه هوشمند مدیریت ترافیک با تحلیل داده‌های ترافیکی، زمان‌بندی چراغ‌های راهنمایی را بهینه می‌کند و جریان ترافیک را روان‌تر می‌سازد.

سرانجام، هوش مصنوعی در آموزش و افزایش آگاهی عمومی در مورد مسائل محیط زیستی نقش بسزایی دارد. اپلیکیشن‌ها و پلتفرم‌های آموزشی هوشمند می‌توانند اطلاعات مفیدی را به جامعه ارائه کرده و افراد را به رعایت اصول محیط زیستی ترغیب کنند.

سخن پایانی

با وجود تمامی این تلاش‌ها، برای دستیابی به نتایج مطلوب‌تر، نیاز است که مدل‌های هوش مصنوعی بر اساس شرایط خاص محیط زیستی ایران توسعه یابند. سرمایه‌گذاری در این حوزه و تشویق نخبگان و دانشجویان به پژوهش و نوآوری می‌تواند راه‌حل‌های بومی و کارآمدی را برای چالش‌های محیط زیستی ما فراهم آورد. هوش مصنوعی فرصتی بی‌نظیر را برای ما فراهم کرده است تا با نگاهی نوین، به حفظ و بهبود محیط زیست خود بپردازیم. آینده‌ای که در آن فناوری و طبیعت دست در دست هم، به سوی پایداری و توسعه حرکت می‌کنند. بیایید با بهره‌گیری هوشمندانه از این فناوری، زمینی پاک‌تر و آینده‌ای روشن‌تر برای نسل‌های بعدی به ارمغان آوریم.



نداک اتحاد



نداک اتحاد



مجتبی زارع صفت

دبیر اتحادیه انجمن‌های اسلامی
دانشجویان در اروپا



فاطمه فاطمه است

تجسم عالی‌ترین مفاهیم
انسانی و اسلامی در مورد زن



نداک
اتحاد

کامل برای زنان و مردان است. این کتاب با بیانی شاعرانه و نگاهی نوین، به تحلیل عمیق شخصیت حضرت فاطمه (س) می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با ارائه‌ی تصویری جامع، به زنان ایران زمین در مواجهه با چالش‌های معاصر کمک کند. در این مقاله، به بررسی محتوای کتاب، نقد وضعیت زن مسلمان در مواجهه با هجوم فرهنگی غرب، نقش زن در نظام سرمایه‌داری و چگونگی استفاده از فرهنگ فاطمی برای حل مشکلات امروزی زنان ایران می‌پردازیم.

به مناسبت تلافی سالروز وفات حضرت فاطمه زهرا(س)، در این شماره فرصتی فراهم شده است تا با تأملی دوباره بر زندگی و شخصیت والای ایشان، به بررسی چگونگی تأثیر فرهنگ فاطمی بر زندگی زنان و دختران ایران زمین بپردازیم؛ فرهنگی که می‌تواند راهنمایی برای مواجهه با چالش‌های معاصر باشد. کتاب "فاطمه، فاطمه است" نوشته‌ی دکتر علی شریعتی، یکی از آثار برجسته در معرفی شخصیت والای حضرت فاطمه زهرا(س) و نقش او به عنوان الگویی

فرهنگ نگار

در این فصل می‌خوانید:

فاطمه فاطمه است ۴۱
آخرش که چه؟ ۴۴

۱. نگاه نوین به شخصیت حضرت فاطمه (س)

دکتر شریعتی در این کتاب، فراتر از روایات تاریخی و مذهبی، تصویری انسان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه از حضرت فاطمه (س) ارائه می‌دهد. او با بیان جمله‌ی «فاطمه، فاطمه است» تأکید می‌کند که شخصیت فاطمه (س) فراتر از هر تعریفی است و در هویت خود منحصر به فرد است. این نگاه، مخاطب را به تأمل در مورد جایگاه زن در جامعه و نقش او در مواجهه با چالش‌های معاصر دعوت می‌کند.

در جامعه‌ی کنونی ایران، زنان با چالش‌های متعددی مانند نابرابری‌های جنسیتی، تبعیض در محیط کار و فشارهای اجتماعی مواجه هستند. نگاه شریعتی به شخصیت فاطمه (س) می‌تواند الهام‌بخش باشد تا زنان ایرانی به هویت و ارزش‌های اصیل خود بازگردند و با اعتماد به نفس بیشتری در جامعه حضور یابند. این نگرش می‌تواند به تقویت احساس خودباوری و افزایش مشارکت اجتماعی زنان کمک کند.

۲. برجسته‌سازی جنبه‌های انسانی و اجتماعی حضرت فاطمه (س)

یکی از نقاط قوت کتاب، تأکید بر جنبه‌های انسانی و اجتماعی شخصیت حضرت فاطمه (س) است. شریعتی او را نه تنها به عنوان مادر و همسر، بلکه به عنوان فردی مستقل، آگاه و مبارز معرفی می‌کند که در برابر بی‌عدالتی‌ها سکوت نکرد و با شجاعت از حق و حقیقت دفاع کرد.

زنان بسیاری در ایران وجود دارند که با الهام از این جنبه‌های شخصیت حضرت فاطمه (س)، در حوزه‌های مختلف علمی، فرهنگی و اجتماعی فعالیت می‌کنند. حضور زنان در عرصه‌های علمی مانند دکتر مریم میرزاخانی، ریاضیدان برجسته، نشان‌دهنده‌ی توانایی زنان در دستیابی به بالاترین سطوح علمی است. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که با الگوگیری از شخصیت‌هایی مانند فاطمه (س)، زنان می‌توانند در عرصه‌های مختلف به موفقیت دست یابند و به توسعه‌ی جامعه کمک کنند.

۳. نقد وضعیت زن سنتی و متجدد در جامعه ایران

شریعتی سه چهره از زن را در جامعه ایران تحلیل می‌کند:

- زن سنتی و مقدس‌مآب: زنی که به سنت‌های کهنه و گاه ناعادلانه پایبند است و از تغییر و تحول می‌هراسد. او ممکن است به نام مذهب، از حقوق و آزادی‌های خود چشم‌پوشی کند و از فرصت‌های پیشرفت محروم بماند.

- زن متجدد و اروپایی‌مآب: زنی که بدون شناخت عمیق، به تقلید سطحی از فرهنگ غربی می‌پردازد و هویت فرهنگی و مذهبی خود را از دست می‌دهد. او ممکن است در پی رسیدن به آزادی‌های ظاهری، از ارزش‌ها و ریشه‌های خود دور شود.

- زن فاطمه‌وار: زنی که با شناخت ارزش‌های اصیل فرهنگی و مذهبی، مسیری مستقل و آگاهانه را انتخاب می‌کند. او تعادلی بین سنت و نوگرایی برقرار می‌کند و به دنبال رشد و تعالی در چارچوب ارزش‌های خود است.

شریعتی معتقد است که زنان باید با الگوگیری از شخصیت حضرت فاطمه (س)، راه میانه‌ای را انتخاب کنند که نه اسیر سنت‌های نادرست باشند و نه هویت خود را در تقلید از فرهنگ غربی از دست بدهند. این نگرش می‌تواند به زنان کمک کند تا با حفظ ارزش‌های فرهنگی و مذهبی خود، به پیشرفت و توسعه‌ی فردی و اجتماعی دست یابند.

۴. زن مسلمان در هجوم غرب و نظام سرمایه‌داری

شریعتی به نقد هجوم غارتگرانه غرب به شرق و تأثیر آن بر زنان مسلمان می‌پردازد. او معتقد است که نظام سرمایه‌داری، زن را به کالایی اقتصادی تبدیل کرده که بر اساس جذابیت ظاهری‌اش ارزش‌گذاری می‌شود. این نظام با ترویج مصرف‌گرایی و سطحی‌نگری، هویت واقعی زن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را از ارزش‌های انسانی و معنوی تهی می‌کند. در دنیای امروز، رسانه‌ها و تبلیغات تجاری با ارائه‌ی استانداردهای غیرواقعی از زیبایی و موفقیت، زنان را تحت فشار قرار می‌دهند تا به الگوهای غیرمنطقی پیروی کنند. این فشارها می‌تواند منجر به مشکلات روانی، کاهش اعتماد به نفس و حتی بهره‌کشی از زنان شود. آگاهی از این تهدیدات و مقاومت در برابر آن‌ها، می‌تواند به زنان کمک کند تا هویت و ارزش‌های خود را حفظ کنند.

زنان مسلمان باید با آگاهی و شناخت، در برابر این هجوم‌های فرهنگی مقاومت کنند و ارزش‌های اصیل خود را حفظ نمایند. استفاده از الگوهایی مانند حضرت فاطمه (س) می‌تواند به تقویت هویت و اعتماد به نفس آنان کمک کند و آن‌ها را در برابر تأثیرات منفی فرهنگ مصرف‌گرایی محافظت نماید.

۵. نقش فرهنگ فاطمی در حل مشکلات امروزی زنان ایران

فرهنگ فاطمی می‌تواند به عنوان راهنمایی روشن در مسیر دشوار زنان ایران عمل کند. الگوگیری از حضرت فاطمه (س) که تجسم عدالت‌خواهی، مسئولیت‌پذیری و محبت است، می‌تواند زنان را در مواجهه با چالش‌های معاصر توانمند سازد. با تأکید بر آموزش و تحصیل، زنان می‌توانند به رشد و توسعه‌ی فردی دست یابند و نقش مؤثری در جامعه ایفا کنند. حضرت فاطمه (س) به عنوان فردی آگاه و دانشمند، نشان می‌دهد که زنان باید به دنبال کسب علم و دانش باشند. در جامعه امروز، دسترسی به آموزش می‌تواند به توانمندسازی زنان کمک کند و آن‌ها را برای مشارکت فعال در جامعه آماده سازد. مشارکت اجتماعی نیز یکی از جنبه‌های مهم فرهنگ فاطمی است. با الگوگیری از فعالیت‌های اجتماعی حضرت فاطمه (س)، زنان می‌توانند در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نقش فعال‌تری ایفا کنند و به بهبود وضعیت جامعه کمک نمایند.

۶. ضرورت بازتعریف جایگاه زن در جامعه اسلامی

شریعتی تأکید می‌کند که برای حل مشکلات امروزی، باید جایگاه زن در جامعه اسلامی بازتعریف شود. به نام مذهب،

نباید حقوق و امکاناتی که اسلام به زن داده است، از او سلب شود. زنان باید به حقوق خود آگاه شوند و از آن‌ها بهره‌برداری کنند.

در عصر حاضر، حضور زنان در عرصه‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری می‌تواند به توازن جنسیتی و بهره‌گیری از توانمندی‌های آنان منجر شود. آگاهی از حقوق قانونی مانند حق تحصیل، اشتغال و مشارکت سیاسی می‌تواند به بهبود وضعیت زنان کمک کند. با فراهم کردن فرصت‌ها و امکانات، می‌توان به مشارکت بیشتر زنان در جامعه کمک کرد و از توانایی‌های آنان بهره‌مند شد.

۷. الگوگیری از حضرت فاطمه (س) به عنوان راه‌حلی عملی

الگوگیری از حضرت فاطمه (س) می‌تواند به عنوان راه‌حلی عملی در برابر چالش‌های معاصر عمل کند. این الگو، زنان را به تعادل میان عقل و عشق، سنت و نوگرایی، و فردیت و جمع‌گرایی دعوت می‌کند.

زنان می‌توانند با حفظ حجاب و پوشش اسلامی، هم ارزش‌های دینی خود را حفظ کنند و هم با حضور فعال در جامعه، نقش مؤثری ایفا نمایند. این ترکیب نشان‌دهنده‌ی امکان هم‌زیستی ارزش‌های دینی با نیازهای مدرن است. همچنین، با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی مانند صداقت، عدالت و مهربانی، زنان می‌توانند نقش مهمی در تقویت بنیان‌های اخلاقی جامعه ایفا کنند.

۸. نقش تشیع در حفظ هویت اسلامی و فرهنگی

شریعتی معتقد است که تشیع، حقیقت و تمامیت اسلام است و اسلام بدون عدالت و امامت، ناقص است. او تأکید می‌کند که شیعه، سنی‌ترین مذهب اسلام است که سعی در حفظ سنت واقعی پیامبر دارد. تأکید بر اصول و ارزش‌های تشیع، می‌تواند به مقابله با هجوم فرهنگی غرب پرداخت و هویت دینی را تقویت کرد. آگاهی از تاریخ و اصول تشیع می‌تواند به جلوگیری از تحریف‌ها و بدعت‌ها کمک کند. مراسم مذهبی مانند عاشورا و محرم، نه تنها مراسمی دینی هستند، بلکه فرصتی برای تقویت هویت جمعی و انتقال ارزش‌های عدالت‌خواهی و مقاومت در برابر ظلم می‌باشند.

۹. چالش‌های زن سنتی و متجدد و نقش فرهنگ فاطمی در حل آن‌ها

هر دو تیپ زن سنتی و متجدد، با چالش‌هایی مواجه هستند. زن سنتی ممکن است از حقوق و آزادی‌های خود محروم باشد و زن متجدد ممکن است هویت فرهنگی خود را از دست بدهد. فرهنگ فاطمی می‌تواند به زنان کمک کند تا با حفظ ارزش‌های اصیل، در مسیر پیشرفت و توسعه حرکت کنند.

ترویج آموزش‌های مذهبی و فرهنگی در کنار آموزش‌های مدرن می‌تواند به رشد همه‌جانبه زنان کمک کند. ایجاد تعادل بین آموزش‌های سنتی و مدرن، می‌تواند به زنان کمک کند تا با حفظ هویت فرهنگی و مذهبی خود، به پیشرفت دست یابند. تشویق به فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی نیز

می‌تواند به مشارکت بیشتر زنان در جامعه کمک کند و نقش آنان را در توسعه اجتماعی تقویت نماید.

۱۰. هجوم فرهنگی غرب و ضرورت هشیاری زنان مسلمان

شریعتی هشدار می‌دهد که غرب با ابزارهای مختلف سعی در تهی کردن شرق از هویت و ارزش‌های فرهنگی دارد. زنان مسلمان باید با شناخت این هجوم‌ها، در برابر آن‌ها مقاومت کنند. افزایش آگاهی و سواد رسانه‌ای می‌تواند به زنان کمک کند تا تأثیرات منفی رسانه‌ها و تبلیغات را تشخیص دهند و از آن‌ها اجتناب کنند.

تقویت فرهنگ بومی و اسلامی از طریق ترویج هنر، ادبیات و سنت‌های اصیل، می‌تواند هویت فرهنگی را تقویت کرده و در برابر هجوم فرهنگی مقاومت ایجاد کند. با حفظ و ترویج ارزش‌های فرهنگی، زنان می‌توانند نقش مهمی در پاسداری از هویت جمعی ایفا کنند.

نتیجه‌گیری

کتاب «فاطمه، فاطمه است» با ارائه‌ی تصویری جامع و نوین از شخصیت حضرت فاطمه زهرا (س)، زنان و دختران ایران را به بازگشت به ارزش‌های اصیل فرهنگی و مذهبی خود دعوت می‌کند. در شرایطی که هجوم فرهنگی غرب و نظام سرمایه‌داری، هویت زنان مسلمان را تهدید می‌کند، فرهنگ فاطمی می‌تواند راهنمایی روشن و مسیری مطمئن برای آنان باشد. با الگوگیری از حضرت فاطمه (س)، زنان می‌توانند نقش واقعی و مؤثر خود را در جامعه بازیافتند و در برابر چالش‌های معاصر مقاوم و پایدار باشند. این الگوگیری نه تنها به نفع زنان، بلکه به نفع کل جامعه است، زیرا حضور فعال و آگاهانه‌ی زنان به توسعه و پیشرفت جامعه کمک می‌کند.

افزایش آگاهی و آموزش، ترویج الگوهای موفق، حمایت از مشارکت اجتماعی زنان و تقویت هویت فرهنگی و دینی، می‌تواند به حل مشکلات امروزی زنان ایران کمک کند. با بازگشت به ارزش‌های اصیل و بهره‌گیری از تعالیم حضرت فاطمه (س)، می‌توانیم جامعه‌ای سالم‌تر، عادلانه‌تر و پیشرفته‌تر بسازیم.

کلام آخر

در دنیای پیچیده و پرتلاطم امروز، نیاز به الگوهایی داریم که بتوانند راهنمای ما در مسیر زندگی باشند. حضرت فاطمه زهرا (س) با شخصیت والای خود، می‌تواند به عنوان الگویی کامل برای زنان و مردان عمل کند. با بازگشت به ارزش‌های اصیل فرهنگی و مذهبی و بهره‌گیری از تعالیم ایشان، می‌توانیم به حل بسیاری از مشکلات اجتماعی و فرهنگی بپردازیم و آینده‌ای روشن‌تر برای خود و جامعه‌مان رقم بزنیم. برای دائلود نسخه اصلی کتاب، می‌توانید تصویر زیر را اسکن کنید.



SCAN ME

آخرش که چه؟

بخش دوم: از تردید تا یقین؛ از پرسش تا حقیقت

پرسش، همواره مانند چراغی بوده است که بشر را در گذرگاه‌های تاریک تاریخ، از اعماق جهل و بی‌خبری به سوی افق‌های روشن آگاهی هدایت کرده است. این ویژگی بنیادین انسان، یعنی قدرت و میل به پرسشگری، از همان آغاز تا امروز، عامل اصلی رشد فکری، اخلاقی، علمی و معنوی او به‌شمار می‌آید. از دوران اندیشمندان باستان تا فلاسفه و متفکران معاصر، همواره طرح پرسش‌های درست، نقطه عزیمت اندیشه‌های بزرگ بوده است. پیامبر اکرم (ص) در سخنی حکیمانه می‌فرماید: «حَسَنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ»، یعنی پرسش درست و بجا،

سپهرستگارمقدم

دانشجوی پزشکی دانشگاه پیراگوف مسکو

خود نیمی از دانش است. این کلام نورانی نشان می‌دهد که صرفاً یافتن پاسخ، هدف نهایی نیست، بلکه هنر مطرح کردن پرسش‌های بنیادین، عمیق و مناسب نیز اهمیتی هم‌تراز با پاسخ دارد. اگر ژرف‌تر بنگریم، گاه مشکل نه در نداشتن پاسخ، بلکه در سطحی بودن پرسش‌هاست. یک پرسش اصولی و ریشه‌ای می‌تواند مسیری را بگشاید که ذهن ما را از دام باورهای سطحی و تقلیدی رها کرده، به شناختی عمیق‌تر و یقینی‌تر برساند. دقیقاً همان‌گونه که در زندگی روزمره، پرسش‌های درست ما را به راه‌حل‌های مفیدتر هدایت می‌کنند، در حوزه تفکر و معنویت نیز انتخاب پرسش نقشی تعیین‌کننده دارد. به‌عنوان مثال، پرسش سطحی "چرا زندگی سخت است؟" شاید ما را به شکایت و ناامیدی بکشاند، اما تبدیل آن به پرسشی ژرف‌تر چون "هدف از رنج و سختی در زندگی چیست و چگونه می‌توان از آن معنا و رشد استخراج کرد؟" می‌تواند بابی نو برای رسیدن به حقیقت بگشاید.

در نوشتار پیشین به این نکته اشاره شد که انسان همواره با انبوهی از پرسش‌ها روبه‌روست؛ پرسش‌هایی از قبیل: "چرا به دنیا آمده‌ایم؟"، "هدف آفرینش چیست؟"، "پس از مرگ چه می‌شود؟" و "چرا ادیان و مذاهب گوناگونی وجود دارد؟" اگر کسی نتواند راه درست را در مقابل این پرسش‌ها شناسایی کند، در میان انبوه پاسخ‌های متفاوت و گاه متناقض سردرگم می‌شود و از رسیدن به آرامشی پایدار باز می‌ماند. امام خمینی (ره) در بیانی پرمعنا فرمودند: «اگر انسان هدف خلقت خویش را درک کند، به آرامش واقعی می‌رسد.» این سخن حاوی کلیدی ارزشمند است: آرامش واقعی، نه در کسب ثروت، نه در قدرت و نه در شهرت، بلکه در فهم درست از هدف هستی و جایگاه خود در آن نهفته است. اما این درک چگونه حاصل می‌شود؟ چرا مکاتب فلسفی و نظام‌های فکری گوناگون، پاسخ‌های متفاوتی به پرسش‌های بنیادین می‌دهند؟ این تفاوت‌ها از کجا ریشه می‌گیرند؟ و در نهایت، در میان این دریای متلاطم باورها و اندیشه‌ها، راه راستین را

چگونه باید یافت؟

برای یافتن سرنخی از این معما، کافی است به نامه تاریخی امام خمینی (ره) به میخائیل گورباچف، رهبر وقت شوروی، نگاهی بیفکنیم. این نامه، که بعدها مورد توجه تحلیلگران سیاسی، فکری و مذهبی قرار گرفت، یک هشدار و یک راهنمایی عمیق در خود نهفته داشت: «در باورهایت تردید کن و از منطری متفاوت به حقیقت بنگر». گورباچف بعدها از بی‌توجهی اش به این پیام اظهار تأسف کرد و اذعان نمود که اگر عمق این هشدار را درک کرده بود، شاید مسیر اتحاد جماهیر شوروی متفاوت می‌شد. این پیام به ما می‌گوید که گاه لازم است از پوسته باورهای موروثی، عادت‌های فکری و پیش‌فرض‌های ذهنی خود خارج شویم و با شجاعتی معنوی به جهان بنگریم.

اما تردید چه جایگاهی در روند رسیدن به یقین دارد؟ شهید مطهری (ره) در جمله‌ای آمیخته با ظرافت و تیزبینی می‌گوید: «شک منزلگاه خوبی نیست، ولی گذرگاه لازم و مفیدی است.» این عبارت نشان می‌دهد که شک و تردید نه مقصد، بلکه پلی است که ما را از سرزمین باورهای خام و تقلیدی به پهنه گسترده‌ای از یقینی ژرف‌تر می‌رساند. اگر حقیقتی اصیل و خالص باشد، از تردید و پرسش نمی‌هراسد. در مقابل، باورهای سطحی و بی‌پایه با اندک نسیمی از پرسش بر هم می‌ریزد. همان‌گونه که یک درخت ریشه‌دار از طوفان هراسی ندارد، اما یک ساقه ضعیف با اندک بادی خم شده و می‌شکند، باور راستین نیز همچون درختی تنومند از آزمون تردید سربلند بیرون می‌آید. نامه امام خمینی (ره) به گورباچف نیز از چنین یقین عمیقی سرچشمه گرفته بود؛ یقینی که از عمق یک نظام فکری الهی می‌جوشد و از مواجهه با ایدئولوژی‌های مادی‌گرا بی‌می‌ندارد.

اکنون زمان آن رسیده است که ما نیز این مسیر تردید سازنده را در زندگی خویش آغاز کنیم و به سوی یقین گام برداریم؛ همان مسیری که گورباچف می‌توانست پیماید اما نپیمود. اغلب ما باورهای دینی، اخلاقی و فرهنگی مان را به ارث می‌بریم؛ بسیاری از ما چندان در آنها تأمل نمی‌کنیم. این شیوه اگر چه طبیعی به‌نظر می‌رسد، اما می‌تواند ما را به سطحی‌نگری و طلبکاری در مسائل دینی برساند. وقتی عبادت و دینداری بدون اندیشه و شناخت عمیق باشد، بیشتر به یک عادت تبدیل می‌شود تا یک درک اصیل و آگاهانه. آن‌گاه انسان نه‌تنها به حقیقت نزدیک نمی‌شود، بلکه ممکن است در گرداب تعصبات، تحجر و حتی نوعی طلبکاری معنوی گرفتار گردد: گویی از خدا انتظار دارد صرفاً به واسطه انجام ظاهری مناسک، پاداشی بی‌زحمت نصیبش کند.

برای گذر از این مرحله و رسیدن به نوعی آگاهی ژرف‌تر، نیاز به پرسش‌های بنیادین داریم. در این سلسله

نوشتار، ما قصد داریم به چهل پرسش بنیادین بپردازیم؛ پرسش‌هایی که ذهن هر جوینده حقیقت را با چالش روبه‌رو می‌کند. این پرسش‌ها در هشت بخش تنظیم شده‌اند تا مسیری منظم و ساختارمند برای جست‌وجوی حقیقت ارائه کنند. این هشت بخش عبارت‌اند از:

۱. وجود خدا و جهان هستی: آیا این جهان بی‌هدف و تصادفی پدید آمده است، یا ردپای خالق هوشمند در آن مشهود است؟ از نظم و هماهنگی شگفت‌انگیز کائنات چه برداشتی می‌توان داشت؟ اگر خدا مهربان است، چگونه می‌توان شر و رنج را در عالم توجیه کرد؟ به عنوان نمونه، یک نگاه ساده به اکوسیستم‌های طبیعی: تنظیم دقیق چرخه آب، تعادل اکوسیستم‌ها، فاصله مناسب زمین از خورشید و ثبات قوانین فیزیکی که حیات را امکان‌پذیر می‌کند، همگی می‌تواند سرنخی باشد از نوعی تدبیر و هدفمندی پشت پرده هستی.

۲. هدف زندگی و وجود انسان: آیا زندگی بدون باور به خدایی دانا و توانا، معنا و هدفی خواهد داشت؟ چرا بسیاری از انسان‌ها با آن‌که از مواهب مادی برخوردارند، همچنان خلثی درونی احساس می‌کنند؟ آیا هدف زندگی تنها استمرار بقا و لذت است یا می‌توان به اهداف بلندتری چون تکامل معنوی و اخلاقی اندیشید؟ مثلاً انسان‌هایی که از رفاه کامل برخوردارند، اما احساس پوچی می‌کنند، چه پیامی برای ما دارند؟ آیا این نشان نمی‌دهد که معنای زندگی فراتر از گذران روزمره و جمع‌آوری مال و مقام است؟

۳. دین و چرایی وجود آن: چرا ادیان گوناگونی در طول تاریخ بشر ظهور کرده‌اند؟ آیا دین یک نیاز فطری انسان است یا ساخته و پرداخته ذهن اوست؟ اگر نیاز فطری است، پس اختلاف و تضاد بین ادیان مختلف از کجا ناشی می‌شود؟ می‌توان به ضرورت‌های اجتماعی، اخلاقی و معنوی اشاره کرد که دین‌ها به آنها پاسخ می‌دهند. مثلاً در جوامعی که قواعد اخلاقی مشخصی نداشتند، دین‌ها آمدند و ساختار اخلاقی، حقوقی و معنوی ارائه دادند.

۴. اسلام و ادیان دیگر: چرا اسلام؟ تفاوت اسلام با سایر ادیان چیست؟ چرا قرآن به زبان عربی نازل شده است؟ این پرسش‌ها ما را به بررسی ویژگی‌های منحصر به فرد اسلام و قرآن می‌برد؛ از جامعیت تعالیم گرفته تا تحریف‌ناپذیری قرآن. از سوی دیگر، جهانی بودن پیام اسلام، وجود معجزه زبانی در قرآن و استمرار هدایت معنوی از زمان نزول تا امروز، نکاتی هستند که می‌توانند پاسخ به این پرسش‌ها را روشن‌تر کنند.

۵. پیامبران و وحی: چگونه می‌توان اطمینان یافت که پیامبران از سوی خدا مأموریت دارند؟ چرا ما امروز معجزات زمان پیامبران را نمی‌بینیم؟ آیا کتاب‌های آسمانی، سندی معتبر برای الهی بودن پیامبران هستند؟



به عنوان نمونه، پیامبران همواره حامل پیام‌هایی بوده‌اند که فراتر از دانش زمانه‌شان بوده و نوعی معجزه علمی، اخلاقی یا عملی را به همراه داشته‌اند. بررسی تاریخی پیامبران، تطبیق سخنان آنها با حقایق عالم و استمرار آموزه‌هایشان در طول قرون، می‌تواند ما را به درکی عمیق‌تر برساند.

۶. علم و دین: آیا علم می‌تواند جایگزین دین شود؟ آیا هر چه در علم تأیید نشود، لزوماً موهوم است؟ اگر بین یک نظریه علمی و آموزه‌ای دینی ظاهراً تعارضی دیده شود، آیا باید یکی را مطلقاً رد کنیم؟ علوم تجربی همواره در حال پیشرفت و تجدیدنظر هستند؛ در حالی که دین مدعی ارائه حقیقتی پایدار است. بنابراین، نسبت بین علم و دین می‌تواند نسبتی تکمیلی باشد، نه تقابلی. تاریخ نشان داده بسیاری از تعارضات ظاهری بین دین و علم، ناشی از فهم نادرست یا ناقص از یک سویا از نتایج موقت و گذرای تحقیقات علمی از سوی دیگر بوده است.

۷. مسائل اجتماعی و اخلاقی: دین چگونه بر اخلاق و نظم اجتماعی تأثیر می‌گذارد؟ آیا حقوق بشر، آزادی و عدالت با باورهای دینی سازگارند؟ در جهانی که مدام با معضلات اخلاقی، نژادپرستی، فقر و جنگ روبه‌روست، نقش دین در ارائه راه‌حلی پایدار چیست؟ ادیان همواره داعیه عرضه ارزش‌های اخلاقی متعالی را داشته‌اند؛ ارزش‌هایی که می‌توانند به صورت قوانینی فراگیر و غیرقابل تحریف در خدمت بشریت قرار گیرند. به عنوان مثال، آیین‌هایی مانند زکات، صدقه، احترام به والدین و هم‌نوعان در اسلام، نمونه‌هایی از ترکیب اخلاق و شریعت برای ساختن جامعه‌ای انسانی‌تر است.

۸. آخرش که چه؟: پس از همه این پرسش‌ها، در نهایت چه مسیری را باید پیمود؟ آیا هدف این است که صرفاً ذهن خود را از پرسش‌ها انباشته کنیم، یا سرانجامی باید جست که ما را به یک زندگی پر معنا برساند؟ هدف نهایی می‌تواند دستیابی به نوعی بصیرت و یقین باشد که در پرتو آن، انسان با آرامش و اطمینان قدم بردارد. در این مسیر،

تقلید کورکورانه جای خود را به آگاهی ژرف می‌دهد، سطحی‌نگری به عمق‌بینی بدل می‌شود و ایمان از باور موروثی به ایمان تحقیقی و یقینی ارتقا می‌یابد.

این پرسش‌ها به‌گونه‌ای طرح شده‌اند که بی‌طرفانه، عقلانی و فراگیر باشند. بی‌طرفانه به این معنا که قصد تحمیل دیدگاهی خاص در همان ابتدا وجود ندارد، بلکه هدف دعوت به تفکر است. عقلانی یعنی سعی بر این است که از استدلال‌های منطقی و قابل فهم استفاده شود. فراگیر بودن نیز به این معناست که این پرسش‌ها محدود به جامعه‌ای خاص یا زمانی مشخص نیستند، بلکه ذهن انسان را در هر عصر و مکانی به چالش می‌کشند. در ادامه این سلسله مقالات، سعی خواهیم کرد با بهره‌گیری از منابع معتبر دینی، فلسفی و علمی، با نگاه نقادانه و منصفانه به این پرسش‌ها بپردازیم. این تلاش نه برای تحمیل باور، بلکه برای گشودن فضایی جهت اندیشیدن، پرسیدن و جست‌وجوی پاسخ است. همان‌طور که امام خمینی (ره) در نامه به گورباچف، در واقع همه ما را دعوت به تردید سازنده و نگرش متفاوت به حقیقت کرد، ما نیز با تکیه بر این روحیه می‌توانیم از منزلگاه شک عبور کنیم و به افق روشن یقین برسیم.

شاید این پرسش‌ها و پاسخ‌ها، به هر فردی که در جست‌وجوی حقیقت است، کمک کند تا از ورای روزمرگی، تعصبات، تبلیغات رسانه‌ای و فشارهای اجتماعی گذر کرده و با آزادی فکری و قلبی، مسیر خود را برای رسیدن به حقیقت هموار سازد. این مسیری است که هر انسان صادقی که به دنبال معنا و حقیقت است، با شوق و جدیت در پیش می‌گیرد. در نهایت، غایت همه این پرسش‌ها و تأملات، رسیدن به نوعی بلوغ فکری، عاطفی و معنوی است که انسان را به آرامشی عمیق‌تر، اخلاقی‌تر و انسانی‌تر می‌رساند. اگر محصول این سفر فکری، فهم بهتر از جهان، از خود و از آفریدگار باشد، و اگر به جای سطحی‌نگری، ما را به عمق باور برساند، این خود بزرگ‌ترین دستاورد خواهد بود.



تازه‌ها

در این فصل می‌خوانید:

- گزارش حادثه دانشگاه فدرال کازان روسیه ۴۸
- گزارش یک قضاوت، علل و عوامل ۵۰

گزارش حادثه دانشگاه فدرال کازان روسیه

مطالبه و پیگیری انجمن اسلامی دانشجویان کازان

محمد انصاری رامندی
 دبیرانجمن اسلامی دانشجویان کازان



در صبح روز جمعه، ۲ آذر ۱۴۰۳، حادثه‌ای در مرکز تمدید روادید دانشگاه فدرال کازان رخ داد که واکنش‌های گسترده‌ای را در میان دانشجویان بین‌المللی، از جمله دانشجویان ایرانی، برانگیخت. در این روز، گروهی از دانشجویان از ملیت‌های مختلف (ازبکستان، چین، ایران، ترکمنستان و ...) برای تمدید روادید خود به این مرکز مراجعه کردند. متأسفانه، پس

از مشاجره‌ای میان چند دانشجو، اوضاع به نحوی پیش رفت که سیستم هشدار توسط حراست مرکز فعال شد و پلیس به محل اعزام گردید. با حضور پلیس و به دنبال اصرار دانشجویان ایرانی، دو دانشجوی ایرانی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بازداشت شدند. این رفتار غیرحرفه‌ای و خشونت‌آمیز پلیس با واکنش‌های بسیاری مواجه شد.



اقدامات انجمن اسلامی دانشجویان کازان

انجمن اسلامی دانشجویان کازان بلافاصله پس از اطلاع از این حادثه، به منظور دفاع از حقوق دانشجویان و حل مسئله، اقدامات زیر را انجام داد:

۱. حضور در بازداشتگاه و پیگیری وضعیت دانشجویان بازداشت‌شده: یکی از اعضای انجمن به همراه نماینده کنسولگری ایران در کازان به بازداشتگاه مراجعه کرده و وضعیت دانشجویان آسیب‌دیده را پیگیری کردند.
۲. گزارش دهی به مقامات دیپلماتیک ایران: گزارش اولیه حادثه به سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران در کازان ارسال شد و درخواست پیگیری‌های لازم برای آزادی دانشجویان و کمک به آن‌ها مطرح گردید.
۳. مطرح کردن مطالبات در سرکنسولگری: اعضای انجمن با حضور در سرکنسولگری، خواسته‌های دانشجویان را در رابطه با آزادی دو دانشجوی بازداشت‌شده بیان کردند.
۴. اعتراض به مسئولان دانشگاه: دانشجویان و اعضای انجمن در دانشگاه فدرال کازان تجمع کرده و اعتراض خود را نسبت به این رفتار غیرانسانی و غیرحرفه‌ای اعلام نمودند.
۵. برگزاری جلسات با مسئولین دانشگاه و مقامات امنیتی: ۵ جلسه‌ای با حضور معاون بین‌الملل دانشگاه، سرکنسول محترم ایران در کازان، دبیر انجمن اسلامی و تعدادی از نمایندگان دانشجویان برگزار شد.
- ۵ جلسه‌ای دیگر با حضور دبیر انجمن، نمایندگان دانشجویان، معاون دانشگاه، رئیس پلیس شهر کازان و سایر مسئولان دانشگاه و مقامات امنیتی تشکیل گردید.

نتایج و توافقات حاصل شده

در پی این پیگیری‌ها، موارد زیر مورد توافق قرار گرفت:

۱. آزادی دانشجویان ایرانی: هر دو دانشجوی بازداشت‌شده آزاد شده و به خوابگاه بازگشتند. مقرر شد آن‌ها روز شنبه، ۳ آذر ۱۴۰۳، برای ادامه روند دادرسی به دادگاه مراجعه کنند.
۲. اصلاح رویه‌های مرکز تمدید روادید: ۵ رفتار کارکنان مرکز تمدید روادید بهبود یابد.
- ۵ تعداد شعب مرکز از یک به سه افزایش یابد تا از ازدحام جمعیت جلوگیری شود.
- ۵ سامانه‌ای آنلاین برای دریافت نوبت ایجاد گردد.
۳. برگزاری جلسات آینده برای حل مشکلات دانشجویان ایرانی: مقرر شد جلسه‌ای با حضور نمایندگان دانشجویان و معاون بین‌الملل دانشگاه برای بررسی مشکلات و جلوگیری از تکرار چنین حوادثی برگزار شود.
۴. پیگیری وضعیت سلامت دانشجویان آسیب‌دیده: با یکی از دانشجویانی که مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود تماس گرفته شد و وضعیت سلامتی وی مورد پیگیری قرار گرفت. همچنین قول مساعدت و حمایت‌های لازم به وی داده شد.

انجمن اسلامی دانشجویان کازان ضمن محکوم کردن این حادثه و برخوردهای خشونت‌آمیز، بر اهمیت حفظ حقوق و کرامت دانشجویان تأکید می‌کند. این حادثه نشان‌دهنده لزوم اصلاح رویه‌ها در مراکز مرتبط با دانشجویان بین‌المللی است. انجمن همچنان بر پیگیری حقوق دانشجویان تا حصول اطمینان از اجرای کامل توافقات تأکید دارد. امید است با همکاری دانشگاه و مقامات مسئول، شرایط بهتری برای دانشجویان بین‌المللی، به‌ویژه دانشجویان ایرانی، فراهم گردد.





گزارش یک قضاوت، علل و عوامل

مقامات قضایی انگلیس، رسانه‌های تندرو را به دلیل نشر اکاذیب علیه انجمن اسلامی دانشجویان محکوم کردند



انجمن اسلامی دانشجویان بریتانیا مفتخر است به اعضای محترم خود اعلام کند که سازمان نظارت بر مطبوعات بریتانیا (IPSO)، به ریاست لُرد ادوارد فالکس (عضو مجلس اعیان پارلمان انگلیس)، روزنامه تایمز را به دلیل نشر اکاذیب علیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان بریتانیا و همچنین نقض قانون محکوم کرده است. روزنامه تایمز اکاذیب متعددی نشر داد. در یکی از مقالات خود به دروغ مدعی شده بود که انجمن با مراسمی که ظاهراً در سال ۲۰۲۰ در لندن رخ داده است و ادعا می‌شود حاوی شعارهای

یهودستیزی بوده، دست داشته است. پیرو شکایت‌های رسمی، روزنامه تایمز پیشنهادهایی جهت جبران نشر اکاذیب به انجمن ارائه کرد که انجمن قاطعانه آن را رد کرد. پس از بررسی بیش از ۴۴۹ صفحه اسناد و مدارک، سازمان نظارت بر مطبوعات انگلیس IPSO تأیید کرد که این اتهامات کاملاً بی‌اساس بوده و انجمن هیچ نقشی در این مراسم نداشته است. در نتیجه، IPSO سازمان نظارت بر مطبوعات انگلیس، روزنامه تایمز را به دلیل نقض قانون محکوم کرد. این اولین باری نیست که روزنامه تایمز به شدت تلاش کرده است تا با نشر اکاذیب، چهره دانشجویان مسلمان را تخریب کند. این روزنامه در یکی دیگر از تلاش‌های مذبوحانه‌اش، به دروغ آقای محمدحسین عطایی، دبیر اسبق انجمن، را به داشتن جلسات خصوصی با برخی از فرماندهان پیشین سپاه پاسداران، متهم کرده بود. این ادعا نیز پس از بررسی دقیق شواهد رد شد و روزنامه تایمز از ایشان عذرخواهی کرد و تکذیبیه‌ای منتشر کرد. در متن این تکذیبیه آمده است: «ما به اشتباه گفتیم که محمدحسین عطایی از مسئولین اسبق انجمن‌های اسلامی دانشجویان بریتانیا، با برخی از فرماندهان سپاه پاسداران جلسه داشته است. هیچ جلسه‌ای صورت نگرفت.»

این نوع اقدامات تخریبی تنها به روزنامه تایمز محدود نمی‌شود. روزنامه ایندپندنت نیز در گزارشی مشابه، به دروغ مدعی شده بود که انجمن با مراسمی که ظاهراً در سال ۲۰۲۰ در لندن رخ داده است و ادعا می‌شود حاوی شعارهای یهودستیزی بوده، دست داشته است. اما پس از شکایت رسمی انجمن، این روزنامه نیز از موضع خود عقب‌نشینی کرد و اتهامات نادرست خود را حذف کرد.

پیروزی در برابر نشر اکاذیب؛ تعهد به حقیقت

این پیروزی چراغی مملو از نور است که بیانگر تسلط و پایبندی کامل دانشجویان ما به قانون است؛ حتی زمانی که کسانی که به انجمن حمله می‌کنند به حقیقت و اغلب قانون احترام نمی‌گذارند. همچنین اتخاذ رویکرد کنش‌گرایی به جای رویکردی واکنش‌گرا در دفاع از حقیقت و مقابله با حملات ناعادلانه، پویای تخریبی، اسلام‌هراسی و کسانی که می‌خواهند در جامعه ما تفرقه ایجاد کنند؛ گواهی بر رفتار حرفه‌ای و عزم و اراده دانشجویان ما است. انجمن‌های اسلامی دانشجویان بریتانیا همیشه از حقوق و اعتبار دانشجویان خود دفاع خواهد کرد و در برابر هیچ بی‌عدالتی سکوت نخواهد کرد. ما از تمامی دانشجویان خود می‌خواهیم که این پیروزی را نمادی از قدرت جمعی و اثرگذاری خود در اجتماع بدانند. این دستاورد بار دیگر بیانگر تعهد انجمن در دفاع و حمایت از دانشجویان است.

نقش روزنامه JC در نشر اکاذیب

شایان ذکر است که بسیاری از روزنامه‌ها منابع و داستان‌هایشان



